

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مادران مقاومت

نقش زنان ایرانی و فلسطینی در محور مقاومت

نویسنده: بتول میرزائی

سرشناسه: میرزائی، بتول، ۱۳۶۲ -
Mirzaei, Batool, 1984-

عنوان و نام پدیدآورنده: **مادران مقاومت «نقش زنان ایرانی و فلسطینی در محور مقاومت»** / نویسنده بتول میرزائی؛ ناظر تولید نبی‌اله تبار؛ [برای] اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت استان ایلام.

مشخصات نشر: ایلام؛ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت استان ایلام، نشر قلاویزان، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ ص. : ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۰۹۳-۱۱-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: نقش زنان ایرانی و فلسطینی در محور مقاومت

موضوع: مشارکت اجتماعی -- زنان -- ایران -- تاریخ

موضوع: Social participation -- Women -- Iran -- History

موضوع: مشارکت سیاسی -- زنان -- ایران -- تاریخ

موضوع: Political participation -- Women -- Iran -- History

موضوع: زنان -- فعالیت‌های سیاسی -- ایران -- تاریخ

موضوع: Women -- Political activity -- Iran -- History

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- مشارکت زنان

موضوع: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Participation, Female

موضوع: مشارکت اجتماعی -- زنان -- فلسطین

موضوع: Social participation -- Women -- Palestine

شناسه افزوده: تبار، نبی‌اله، ۱۳۵۵-

tabar, Nabi Allah, 1976-

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت استان ایلام، نشر قلاویزان.

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت استان ایلام

رده‌بندی کنگره: HQ ۱۳۳۶/۵

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۶۶۴۹۰

مادران مقاومت

نقش زنان ایرانی و فلسطینی در محور مقاومت

نویسنده: بتول میرزائی

ناظر تولید: نبی‌اله تبار

طراح جلد: مهین ملکی

صفحه‌آرا: محدثه محمدی

ناشر: قلاویزان

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۴۰۴

قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال



اداره کل

حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت

استان ایلام



نشر قلاویزان

مرکز نشر: ایلام، میدان دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت، نشر قلاویزان

تلفن: ۰۸۴۳۲۲۲۰۴۹۴ دورنگار: ۰۸۴۳۲۲۲۳۳۴۴

فهرست

- ۷..... مقدمه
- ۱۱..... تاریخچه مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی
- ۱۱..... جنبش‌های حقوق زنان در قرن نوزدهم
- ۱۱..... جنبش حق رأی زنان
- ۱۱..... جنبش‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰
- ۱۲..... جنبش‌های معاصر
- ۱۲..... نقش زنان پیش از دوران مشروطه
- ۱۳..... نقش زنان در دوره مشروطه
- ۱۴..... نقش زنان در حوادث پس از مشروطه
- ۱۴..... نقش زنان در دوره پهلوی اول
- ۱۵..... نقش زنان در دوره پهلوی دوم

- ۱۶..... نقش زنان از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز دفاع مقدس
- ۱۷..... نقش زنان در دوران ظهور امام مهدی (عج)
- ۱۸..... فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی
- ۱۹..... زنان و نقش آنها در جنگ و درگیری‌ها
- ۲۱..... نقش حضرت فاطمه زهرا(س)
- ۲۲..... زنان به عنوان رهبران و پیشگامان
- ۲۳..... نقش زنان در سازماندهی بسیج اجتماعی
- ۲۵..... نقش زنان در سازماندهی اجتماعی
- ۲۶..... نقش زنان در مقاومت
- ۲۸..... سخنان مقام معظم رهبری حضرت خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره نقش زنان
- ۳۳..... سیر تحولی و رشد
- ۳۳..... زنان از دیدگاه فرهنگ‌های مختلف
- ۳۴..... سازمان‌های زنان هوادار صلح (Women Peace Party)
- ۳۴..... نقش زنان در جنگ از دیدگاه اسلام
- ۳۵..... بررسی نقش زنان در طی هشت سال دفاع مقدس
- ۴۱..... حضور زنان در میدان نبرد و خط مقدم
- ۵۲..... زنان جاوید

- تأثیر دفاع مقدس بر نگرش‌ها و ارزش‌های زنان..... ۵۶
- نقش زن ایرانی در محور مقاومت ۷۹
- زنان ایرانی: ستون‌های استوار محور مقاومت ۸۵
- پشتوانه‌های تاریخی و فرهنگی ۸۵
- الهام‌بخشی به زنان منطقه ۸۸
- نقش آفرینی زنان غزه در مقاومت غزه ۸۸
- عرصه‌های حضور زنان ۹۳
- روایتگری برای جهان ۱۰۳
- آگاه‌سازی از جنگ روانی ۱۰۵
- کلام آخر ۱۰۵

مقدمه

در اغلب جوامع بشری، زنان به عنوان ستون‌های مدنیت اجتماعی در مقاومت‌های ملی و مذهبی مؤثر بوده‌اند. بانوان همواره در حفظ و پایداری اسلام، نقش شگرفی ایفا کرده و در کنار مردان حضور داشته‌اند؛ چنانکه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) فرموده است: «... ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند». البته نحوه عملکرد مادران ایرانی در تربیت فرزندان با ایمان، تشکیل هسته‌های مقاومت و پشتیبانی و... در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نشان‌دهنده

^۱ . بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد حضرت زینب(ع) در ۱۵ آذر ۱۳۶۸.

الگو برداری این بانوان از شیوه زندگی حضرت زهرا(س) و زینب کبری(س) است. حضرت فاطمه(س) به عنوان اسوه ایثار و مقاومت، همواره حق طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر در جا زدن و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت ترجیح دادند و تاریخ رفتار سیاسی آن حضرت چنان بر جهان اسلام تأثیر داشت که جریان انحرافی اموی نتوانست به اهدافش - تغییر ماهیت قرآن و اسلام - برسد. حضرت زینب(س) نیز با حضور در کربلا، علیه ظلم و ستم مبارزه کرد و روحیه ظلم ستیزی و حق مداری را در تاریخ نهادینه کرد تا آنجا که امروز شاهد مقاومت زنان رنج کشیده غزه به عنوان بهترین مصداق اسلامی زنان مقاوم عصر حاضر هستیم؛ زنانی که در نهایت رضایت و شکر، با دست خود غنچه های پر پر شده شهیدشان را مانند بذر به دل خاک می سپارند. شهادت چند هزار کودک، خود گواه قدرت یقین این مادران است که به خداوند، دین، میهن و فرزندان غیور خود ایمان دارند و ایستاده اند تا نگاه تاریخ را به شرافت فرزندان مقاومت اسلامی تغییر دهند و برای دستیابی به این هدف ارزشمند، همراه مردان و جوانان در برابر استکبار جهانی به ویژه آمریکا و اسرائیل مبارزه می کنند.

در وضعیت فعلی جهان که گفتمان های مختلفی با رویکرد سیاسی - فرهنگی در عرصه زنان مطرح می شود، چگونگی حضور و نقش زنان در جمهوری اسلامی ایران، در شکل گیری و پیروزی حفظ و تداوم انقلاب به دلیل عینیت

بخشی به حضور زنان با حفظ ارزش‌های اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زن مسلمان ایرانی به عنوان الگوی عینی نسبتاً موفق و پایدار و باثبات در ایران، با وجود ترندهای مختلف دشمنان در به انحراف کشاندن اصول و آرمان‌های انقلاب می‌تواند به عنوان نمونه‌ای الهام‌بخش و با ظرفیت، در ابعاد مختلف برای زنان مسلمان در احیاء و حفظ ارزش‌ها، برای مشارکت در بیداری اسلامی باشد. ما در سال‌های دفاع مقدس تجربه‌ای را درباره حضور و حمایت زنان در میدان نبرد کسب کردیم و کوشیدیم تا حدی آن را روایت کنیم؛ اما امروز به نظر می‌رسد روایت روشنی از زن مقاومت در دسترس نیست؛ امروز زن مقاومت یک الگوی جدید از خود به منصفه ظهور رسانده است؛ البته ظهور و بروز زن مقاومت با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ممکن شد اما به نظر می‌رسد زن مقاومت یک سیر تکوینی را طی کرده است و موقعیت اکنون او برای ما هنوز ناشناخته است. موضوع اصلی این کتاب نقش‌آفرینی زنان ایرانی در طی جنگ تحمیلی و تأثیر بر زنان فلسطینی در مقاومت معاصر است اما در لابه‌لای آن برای تبیین این نقش به موضوعات مرتبط دیگری هم پرداخته شده است.

تاریخچه مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی

تاریخچه مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی به قرن‌ها قبل برمی‌گردد و نشان‌دهنده تلاش‌های بی‌وقفه آنها برای دستیابی به حقوق و برابری است. در اینجا به برخی از مراحل کلیدی این تاریخچه اشاره می‌کنیم:

جنبش‌های حقوق زنان در قرن نوزدهم

زنان در این دوره به طور فعال در جنبش‌های حقوق بشر و حقوق مدنی شرکت کردند. یکی از مهم‌ترین رویدادها، کنفرانس سنکا فالز در سال ۱۸۴۸ بود که به عنوان آغاز جنبش حقوق زنان در ایالات متحده شناخته می‌شود.

جنبش حق رأی زنان

در اوایل قرن بیستم، زنان در بسیاری از کشورها برای حق رأی خود مبارزه کردند. این جنبش به ویژه در ایالات متحده و بریتانیا به اوج خود رسید و در نهایت منجر به اعطای حق رأی به زنان شد.

جنبش‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰

زنان در این دوره به طور گسترده‌ای در جنبش‌های اجتماعی مانند؛ جنبش حقوق مدنی، جنبش ضد جنگ و جنبش‌های محیط زیستی شرکت کردند.

این دوره همچنین شاهد ظهور فمینیسم موج دوم بود که به مسائل جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی پرداخته شد.

جنبش‌های معاصر

در دهه‌های اخیر، زنان در جنبش‌های مختلفی مانند جنبش "من هم" و جنبش‌های اجتماعی برای حقوق بشر و عدالت اجتماعی در سراسر جهان فعال بوده‌اند. این جنبش‌ها به زنان اجازه داده‌اند تا صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و بر مسائل مهمی مانند خشونت علیه زنان، تبعیض و نابرابری تأکید کنند.

این تاریخچه نشان‌دهنده قدرت و اراده زنان در مبارزه برای حقوق خود و تغییرات اجتماعی است. این نقش زنان در مقاومت را ملموس‌تر نشان می‌دهد.

نقش زنان پیش از دوران مشروطه

۱. در حادثه گریبایدوف: به میدان آمدن زنان همدوش مردان در پی فتوای آیت‌الله میرزا مسیح، مجتهد تهرانی، برای آزادی زنانی که در سفارت روس محبوس شده بودند؛

۲. در تحریم تنباکو: حمایت زنان در اعتراض به قرارداد توتون و تنباکو در میدان ارگ تهران و سپس در شیراز و تبریز حتی حضور مسلحانه زنان با

چادرنماهایی که به کمر بسته بودند در بازار، همچنین حمایت زنان دربار قاجار از فتوای تحریم تنباکو؛

۳. در شورش نان: حضور زنان در شورش نان در تهران و تبریز که در تبریز چند تن از بانوان به شهادت رسیدند.

نقش زنان در دوره مشروطه

۱. حمایت زنان از تحصن علما و مردم در اعتراض به تنبیه تجار توسط علماءالدوله به بهانه اعتراض به گرانی قند؛
۲. حفظ جان علما، که گاه زنانی با استفاده از چماق‌هایی در زیر چادر خود مراقب بودند تا از جانب عوامل حکومت به علما حمله نشود؛
۳. حمایت از تأسیس بانک ملی در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه که زنان با اهدای زیورآلات خود و حتی برخی زنان تنگدست با اهدای تمامی دارایی خود مانع از استقراض دولت از کشورهای خارجی شدند؛
۴. اهدای زیورآلات و حتی وسایل خانه به‌وسیله زنان برای تأمین هزینه خرید اسلحه و مهمات برای انقلابیون مشروطه‌خواه؛
۵. حضور فعال زنان در دوره درگیری‌های مسلحانه ایام استبداد صغیر، در دوره محاصره یازده‌ماهه تبریز و فعالیت‌های مختلف؛ از پختن نان و غذا تا

دوختن البسه گرفته تا پرستاری از مجروحان و پُرکردن پوکه‌ها و حتی حضور در دفاع مسلحانه و شهادت تعدادی از زنان در مبارزه با عوامل استبداد؛

۶. کفن‌پوشیدن زنان و حضور در بازار با سینه‌زنی و عزاداری برای حمایت از علما و مردم متحصن در شاه عبدالعظیم.

نقش زنان در حوادث پس از مشروطه

۱. حضور در مقابله با اولتیماتوم روسیه که در این واقعه، هزاران زن در تهران و قزوین و آذربایجان و اصفهان همراه با مردان به خیابان‌ها آمدند و حتی برای مردم سخنرانی کردند همچنین حضور سصد زن مسلح در مجلس برای جلوگیری از تسلیم مجلس در برابر اولتیماتوم روسیه؛
۲. تحریم کالاهای خارجی در ماجرای اولتیماتوم روسیه؛
۳. تبلیغ برای جلوگیری از مصرف شکر اروپایی به وسیله قهوه‌خانه‌ها؛
۴. حضور زنان دشتستانی در مقاومت علیه قوای انگلیس در حمله به بوشهر.

نقش زنان در دوره پهلوی اول

در دوران پهلوی اول که نه تنها زنان بلکه حتی مردان ایرانی نیز تحت سلطه نظام دیکتاتوری رضاخانی روزگار می‌گذراندند، یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ معاصر رخ داد؛ یعنی کشف حجاب. با وجود فشار شدید و تعدی وحشیانه رژیم رضاخانی، اغلب زنان ایرانی، کشف حجاب را علاوه بر امری

غیرشرعی، موضوعی مخالف حقوق طبیعی و اجتماعی خود دانسته و به شکل‌های مختلف به مقابله و مبارزه با آن پرداختند، از خانه‌نشینی طولانی برخی زنان و خودداری از قبول قانون کشف حجاب تا حضور قابل توجه آنان در تحصن تیرماه ۱۳۱۴ در مسجد گوهرشاد که بنا بر اسناد تاریخی جمع کثیری از بانوان و کودکان در حمله عوامل رژیم پهلوی در بیست و یکم تیرماه به شهادت رسیدند.

نقش زنان در دوره پهلوی دوم

۱. نخستین تظاهرات بانوان در روز ۱۵ خرداد به حمایت از حضرت امام خمینی (ره) در مسجد اعظم؛
۲. تظاهرات ۱۵۰ تن از زنان با چادر در تابستان ۱۳۴۴ در مقابل دفتر نخست‌وزیری و سخنرانی خانم صدیقه امانی (خواهر شهید صادق امانی) برای حمایت از عاملان ترور حسنعلی منصور؛
۳. حضور فعال در دوران مبارزات علیه رژیم ستم‌شاهی در کانون‌ها، جلسات و هیئت‌های مذهبی و تبلیغی از جمله کانون مسجد موسی بن جعفر (ع) به مدیریت آیت‌الله شهید سعیدی که منجر به دستگیری و شکنجه و حتی شهادت برخی زنان شد. از جمله زنان مبارز آن دوره می‌توان از خانم مرضیه حدیدچی و مریم بهروزی یاد کرد؛

۴. فعالیت مؤثر در تحصیل معارف دینی و حوزه‌های علمیه شاخص توسط بانوانی از جمله بانو مجتهده امین و بانو صفری که فقط در حوزه مکتب فاطمه (س) که به وسیله بانو امین تأسیس شد حدود هزار طلبه از بانوان تحصیل می‌کردند؛

۵. نخستین تظاهرات بانوان در ۱۷ دی ۱۳۵۶ در مشهد در سالروز کشف حجاب؛

۶. حضور چشمگیر در تظاهرات عید فطر ۱۳ شهریور ۱۳۵۷؛

۷. حضور فعال و شهادت تعدادی از بانوان در کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷؛

۸. نقش فعال دختران دانش‌آموز و دانشجوی از مهر ۱۳۵۷ تا ۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب اسلامی.

نقش زنان از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز دفاع مقدس

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و تأکید مکرر ایشان بر حضور فعال زنان در تمامی عرصه‌های فرهنگی - اجتماعی - سیاسی، حضور این قشر تأثیرگذار شکل تازه‌ای به خود گرفت. از جمله؛

۱. حضور مؤثر در نهضت سوادآموزی برای کمک به ارتقاء سطح سواد در

جامعه؛

۲. حضور در جهاد سازندگی برای تسریع در آبادانی روستاها و مناطق محروم؛
۳. حضور در بسیج مستضعفان برای دفاع از انقلاب اسلامی و مقابله با گروه‌های ضدانقلاب؛
۴. حضور در مشارکت‌های سیاسی و انتخابات مجلس.

نقش زنان در دوران ظهور امام مهدی (عج)

این نقش به عنوان یک موضوع مهم و حیاتی در ادبیات اسلامی و مهدویت مطرح است. زنان در این دوران می‌توانند نقش‌های متعددی ایفا کنند. زنان می‌توانند با حمایت‌های معنوی و مادی خود از امام مهدی (ع) و یاران ایشان، نقش مؤثری در تحقق اهداف ایشان داشته باشند، همچنین با تقویت کانون خانواده و تربیت فرزندان مؤمن و آگاه، می‌توانند به تلاش‌های اجتماعی و فرهنگی کمک کنند. آنها با ایجاد آمادگی در فرزندان خود برای خدمت به اهداف امام زمان (عج) و در نهایت، تربیت نسل‌های انقلابی و با بصیرت نقش به‌سزایی در دوران ظهور خواهند داشت.

زنان به عنوان مادران، نقشی کلیدی در تربیت نسل آینده دارند. تربیت فرزندان با ارزش‌های اسلامی و مهدوی می‌تواند گامی است که می‌توان به ظهور نزدیک‌تر شد.

فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی

زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود، افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان نه تنها یک جامعه، بلکه جوامع به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند.

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه زنان، افزون بر این که خودشان در همه ابعاد فعال هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان هم تربیت می‌کنند.

امام، زن را مبدأ خیرات و سعادت می‌دانست و می‌خواست از وجود زن در ارتقا و تعالی جامعه استفاده کند. ایشان می‌فرمود: «امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان، بلکه مقدم برآنانند. ما مفتخریم که بانوان و زنان ایرانی، پیر و جوان و خرد و کلان، در صحنه‌های مختلف فرهنگی- اجتماعی حضور فعالی دارند.»^۱

در زمان ظهور، زنان می‌توانند در جهاد و مقاومت علیه ظلم و فساد، نقش فعالی ایفا کنند و در کنار مردان در میدان‌های نبرد حاضر شوند.

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۲-۱۹۳

زنان می‌توانند با صبر و استقامت خود در برابر مشکلات و چالش‌ها، به عنوان الگوهای برای دیگران عمل کنند و روحیه امید و پایداری را در جامعه تقویت کنند. نقش زنان در این دوران نه تنها محدود به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه شامل ابعاد معنوی و تربیتی نیز می‌شود که می‌تواند به تحقق اهداف امام مهدی (عج) کمک کند.

زنان و نقش آنها در جنگ و درگیری‌ها

زنان در جنگ‌ها و درگیری‌ها، نقش‌های متنوع و حیاتی ایفا کرده‌اند که فراتر از تصورات سنتی درباره وظایف آنهاست. در اینجا به برخی از جنبه‌های کلیدی نقش زنان در جنگ‌ها و درگیری‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مبارزان و سربازان

بسیاری از زنان در خط‌مقدم جنگ‌ها به عنوان مبارزان و سربازان شرکت کرده‌اند. آنها در ارتش‌ها و گروه‌های مقاومت به مبارزه پرداخته‌اند و در برخی موارد به عنوان فرماندهان نیز عمل کرده‌اند.

۲. پشتیبانی لجستیکی

زنان در تأمین نیازهای لجستیکی و پشتیبانی از نیروهای نظامی نقش مهمی دارند. آنها در تهیه غذا، دارو و دیگر منابع ضروری برای سربازان و مجروحان فعالیت می‌کنند.

۳. پرستاری و مراقبت از مجروحان

در طول جنگ‌ها، زنان به عنوان پرستاران و مراقبان مجروحان عمل کرده‌اند. آنها در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی به مراقبت از سربازان و غیرنظامیان مجروح می‌پردازند.

۴. حفاظت از خانواده و جامعه

در زمان جنگ، زنان به عنوان نگهبانان خانواده و جامعه عمل می‌کنند. آنها مسئولیت‌های خانوادگی را برعهده می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا امنیت و ثبات را در شرایط بحرانی حفظ کنند.

۵. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

زنان در بسیاری از موارد به عنوان فعالان اجتماعی و سیاسی در تلاش برای پایان دادن به جنگ‌ها و ایجاد صلح عمل کرده‌اند. آنها در جنبش‌های صلح و حقوق بشر شرکت کرده و صدای خود را برای تغییرات مثبت به گوش همه می‌رسانند.

۶. تجربیات و روایت‌ها

زنان در جنگ‌ها تجربیات منحصر به فردی دارند که می‌تواند به درک بهتر از تأثیرات جنگ بر جامعه کمک کند. روایت‌های آنها می‌تواند به عنوان منبعی برای پژوهش‌های تاریخی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. نقش زنان در

جنگ‌ها و درگیری‌ها نشان‌دهنده قدرت و استقامت آنها در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌هاست.

نقش حضرت فاطمه زهرا(س)

حضرت زهرا(س) در تاریخ اسلام و به‌ویژه در دوران جنگ‌ها و فتنه‌ها نقش بسیار مهمی ایفا کردند. ایشان به عنوان یک الگو و نماد استقامت و پایداری شناخته می‌شود. حضرت زهرا(س) همواره در کنار همسرش امام علی(ع) بودند و از او حمایت می‌کردند. این حمایت‌ها در زمان جنگ‌ها و فتنه‌ها به‌ویژه در جنگ‌های جمل و صفین مشهود بود. ایشان با کلام و عمل خود، فرهنگ جهاد و مقاومت را در بین مسلمانان ترویج دادند و به آن‌ها یادآوری کردند که در برابر ظلم و ستم باید ایستادگی کنند.

حضرت زهرا در کنار فعالیت‌های خانوادگی، به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز توجه داشتند و در مواقع لازم، به دفاع از حقوق مسلمانان و خانواده‌های شهدا می‌پرداختند. صبر و استقامت ایشان در برابر مشکلات و مصائب، به مسلمانان درس بزرگی داد و آن‌ها را به پایداری در برابر چالش‌ها تشویق کرد. حضرت زهرا(س) به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار، همواره در یاد و خاطر مسلمانان زنده است و نقش ایشان در تاریخ اسلام بسیار ارزشمند و قابل توجه است.

زنان به عنوان رهبران و پیشگامان

زنان به عنوان رهبران و پیشگامان در تاریخ و جنبش‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. در اینجا به برخی از جنبه‌ها و نمونه‌های بارز این نقش‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. رهبران سیاسی

زنان در بسیاری از کشورها به عنوان رهبران سیاسی و دولتی عمل کرده‌اند. به عنوان مثال، افرادی مانند آنگلا مرکل در آلمان و ایندرا گاندی در هند به عنوان نخست‌وزیران کشور خود تأثیرگذار بوده‌اند.

۲. فعالان اجتماعی

زنان به عنوان فعالان اجتماعی در جنبش‌های مختلفی مانند حقوق بشر، حقوق زنان و محیط زیست پیشگام بوده‌اند. افرادی مانند مالالا یوسف‌زای و ملاله یوسف‌زای در زمینه حقوق تحصیل برای دختران در سطح جهانی شناخته شده‌اند.

۳. رهبران نظامی

در تاریخ، زنان بسیاری به عنوان رهبران نظامی و فرماندهان جنگ‌ها شناخته شده‌اند. به عنوان مثال، ژاندارک در فرانسه و بانو لیو در چین به عنوان شخصیت‌های تاریخی مهم در جنگ‌ها شناخته می‌شوند.

۴. پیشگامان فرهنگی و هنری

زنان در عرصه‌های فرهنگی و هنری نیز به عنوان پیشگامان شناخته می‌شوند. آنها با آثار خود در ادبیات، هنر و موسیقی تأثیرات عمیقی بر جامعه گذاشته‌اند. افرادی مانند فرشته طوسی و سیمین دانشور در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از این پیشگامان هستند.

۵. مدافعان حقوق بشر

زنان در بسیاری از کشورها به عنوان مدافعان حقوق بشر عمل کرده و برای حقوق خود و دیگران مبارزه کرده‌اند. افرادی مانند شیرین عبادی در ایران و آنگ‌سان سوچی در میانمار به عنوان نمادهای حقوق بشر شناخته می‌شوند.

۶. تأثیرگذاری بر سیاست و تصمیم‌گیری

زنان به عنوان نمایندگان و مشاوران در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند و در تصمیم‌گیری‌های کلان کشورها نقش دارند. نقش زنان به عنوان رهبران و پیشگامان نشان‌دهنده قدرت و تأثیر آنها در تغییرات اجتماعی و سیاسی است.

نقش زنان در سازماندهی بسیج اجتماعی

۱. مشارکت در جنبش‌های مقاومت

زنان در جنبش‌های مقاومت و آزادی‌خواهی در برابر اشغالگران و ستمگران نقش کلیدی ایفا کرده‌اند. آنها با سازماندهی و بسیج جامعه، به تقویت روحیه مقاومت کمک کرده‌اند.

۲. ایجاد آگاهی و تبلیغات

زنان در ایجاد آگاهی درباره جنگ و تأثیرات آن بر جامعه نقش مهمی دارند. آنها با استفاده از هنر، ادبیات و رسانه‌ها، روایت‌های جنگ را به اشتراک گذاشته و به تغییر نگرش‌ها کمک می‌کنند.

۳. تأثیر بر سیاست‌های جنگ

زنان به‌عنوان فعالان اجتماعی و سیاسی، می‌توانند بر سیاست‌های جنگ و صلح تأثیر بگذارند. آنها با مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به تغییرات مثبت در سیاست‌های جنگ و صلح کمک می‌کنند.

۴. تجربیات انسانی

زنان به‌عنوان قربانیان جنگ، تجربیات انسانی و عاطفی را به تصویر می‌کشند. این تجربیات می‌تواند به ایجاد آگاهی درباره تأثیرات منفی جنگ بر زندگی خانواده‌ها و جوامع کمک کند.

۵. نقش در بازسازی

پس از جنگ، زنان به‌عنوان بازیگران کلیدی در فرآیند بازسازی و ترمیم جامعه عمل می‌کنند. آنها در ایجاد صلح و همزیستی و همچنین در بازسازی زیرساخت‌ها و نهادهای اجتماعی نقش دارند.

نقش زنان در سازماندهی اجتماعی

نقش زنان در سازماندهی بسیج اجتماعی بسیار حیاتی و تأثیرگذار است. آنها به عنوان پیشگامان و سازمان‌دهندگان در جنبش‌های اجتماعی، توانسته‌اند تأثیرات عمیقی بر تغییرات اجتماعی و سیاسی بگذارند. زنان به عنوان رهبران و سازمان‌دهندگان در بسیج‌های اجتماعی عمل می‌کنند. آنها می‌توانند گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را تشکیل دهند و افراد را به همکاری و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی ترغیب کنند.

زنان در ایجاد آگاهی دربارهٔ مسائل اجتماعی و سیاسی نقش مهمی دارند. آنها با برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و جلسات آموزشی، افراد را در مورد حقوق خود و اهمیت مشارکت در بسیج‌های اجتماعی آگاه می‌کنند.

زنان معمولاً شبکه‌های حمایتی قوی‌ای را ایجاد می‌کنند که به افراد کمک می‌کند تا در بسیج‌های اجتماعی شرکت کنند. این شبکه‌ها می‌توانند شامل گروه‌های محلی، سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌های اجتماعی باشند.

زنان در جنبش‌های مختلف اجتماعی، از جمله جنبش‌های حقوق بشر، محیط زیست و حقوق زنان، به عنوان فعالان کلیدی شرکت می‌کنند. آنها با استفاده از تجربیات خود، به بسیج اجتماعی کمک می‌کنند و صدای خود را به گوش دیگران می‌رسانند.

زنان به طور فزاینده‌ای از فناوری‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی برای سازماندهی بسیج‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این ابزارها به آنها این امکان را می‌دهد که به سرعت اطلاعات را منتشر کنند و افراد را به فعالیت‌های اجتماعی دعوت کنند.

زنان در بسیج‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان نمایندگان و مشاوران در سطوح سیاسی عمل کنند و بر تصمیم‌گیری‌های کلان تأثیر بگذارند. آنها با مشارکت در سیاست، می‌توانند به تغییرات مثبت در جامعه کمک کنند. نقش زنان در سازماندهی بسیج اجتماعی نشان‌دهنده قدرت و تأثیر آنها در ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی است.

نقش زنان در مقاومت

۱. قدرت و استقامت

زنان در شرایط بحرانی و در برابر ظلم و ستم، قدرت و استقامت فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده‌اند. آنها با ایستادگی و مقاومت، نه تنها برای حقوق خود بلکه برای حقوق دیگران نیز مبارزه کرده‌اند.

۲. نقش کلیدی در سازماندهی

زنان به عنوان سازمان‌دهندگان و رهبران در جنبش‌های مقاومت عمل کرده و توانسته‌اند گروه‌ها و شبکه‌های حمایتی قوی‌ای را تشکیل دهند. این سازماندهی به بسیج اجتماعی و سیاسی کمک کرده و تأثیرات مثبتی بر تغییرات اجتماعی داشته است.

۳. تأثیرگذاری بر روایت‌ها

زنان با روایت تجربیات خود از مقاومت و مبارزه، به ایجاد آگاهی و تغییر در نگرش‌های اجتماعی کمک کرده‌اند. این روایت‌ها می‌تواند به عنوان منبع الهام برای نسل‌های آینده عمل کند.

۴. مشارکت در تصمیم‌گیری

زنان در بسیاری از موارد به عنوان نمایندگان و مشاوران در سطوح سیاسی و اجتماعی عمل کرده و توانسته‌اند بر تصمیم‌گیری‌های کلان تأثیر بگذارند. این مشارکت به تغییرات مثبت در سیاست‌ها و قوانین منجر شده است.

۵. توسعه فرهنگ صلح

زنان در جنبش‌های مقاومت نه تنها برای مبارزه با ظلم و ستم، بلکه برای ایجاد فرهنگ صلح و همزیستی نیز تلاش کرده‌اند. آنها به عنوان مدافعان حقوق بشر و صلح، نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و درگیری‌ها ایفا می‌کنند.

۶. تغییرات اجتماعی و فرهنگی

نقش زنان در مقاومت به تغییرات اجتماعی و فرهنگی منجر شده و به ارتقاء حقوق زنان و برابری جنسیتی کمک کرده است. این تغییرات می‌تواند به بهبود وضعیت کلی جامعه منجر شود.

در نهایت، نقش زنان در مقاومت نشان‌دهنده قدرت، استقامت و تأثیرگذاری آنها در ایجاد تغییرات مثبت در جامعه است.

سخنان مقام معظم رهبری حضرت خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره نقش زنان «تاریخ شهادت می‌دهد بانوان تمدن‌ساز در طول تاریخ اسلام، اهل جهاد و هجرتند. هجرت از مَنیت‌ها به آزادگی‌ها، هجرت از دلبستگی‌ها به آنچه خدا می‌پسندد، آن هم از جنس حرکت جهادی و انقلابی و برخاسته از عقلانیت، آگاهی در کنار محبت و عاطفه مادری و همسری که او را به جایگاه ارزشی یک زن مسلمان حقیقی نزدیک می‌کند و چون ذاتِ هجرت «جهاد» را به دنبال دارد، آن‌که هجرت را با تمام سختی‌ها و رنج‌ها، خوشی‌ها و شیرینی‌ها انتخاب کرده، قطعاً پستی و بلندی‌های جهاد را هم پذیرفته و خوب می‌داند «جهاد»

انتخاب سخت‌ترین‌هاست؛ با بالاترین رتبه‌اش برای رسیدن به معشوق. معشوقی که تو را برای مأموریتی تمدنی و تاریخ‌ساز برگزیده است.

ادعای ما این است که بانوان محور مقدس مقاومت، از جنس همان بانوان تمدن‌سازند که پایه‌پای مردان غیور و شجاع محور مقاومت، ابتدا هجرت و سپس جهاد را برگزیدند و با استعانت از صبر و توکل و ایمان به وعده‌های الهی، پا به عرصه جهادی هفتاد و چند ساله گذاشته‌اند؛ گاه با جهادی از جنس از خودگذشتن و به خدا رسیدن و گاه با جهادی از جنس جهاد تبیین در میدان. آن‌ها رسالت زینب‌گونه خود را با ایمان و ارادت، عقلانیت و حماسه همراه کردند و از عفت و نجابت و حجاب در دوران جنگ و آوارگی تا ازدیاد نسل شهادت‌طلب در تمام سال‌های جنگ، با توکل و مقاومت خستگی‌ناپذیر ایستادند و ما معتقدیم «این حرکت، حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین تحریک‌کننده و عمل‌کننده است، هم عشق و محبت هست و این مختص تفکر شیعی است.»^۱

«امروز با گذشت یک‌سال از کوبنده‌ترین طوفان تاریخ جبهه مقاومت یعنی حمله طوفان‌الاقصی که شکستی غیرقابل ترمیم برای رژیم خودخوانده و سفاک اسرائیل بود، قطعاً تأثیرگذاری این تفکر و حرکت جهادی با حضور

^۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۹ آذر ۱۳۹۴

زنان مقاومت مؤثرتر و پایدارتر خواهد گشت. اینان در این مسیر، با هجرت از خود و برگزیدن جبههٔ جهاد زنانه در عصر غیبت، با خودشناسی و خودآگاهی، در تربیت نسل انقلابی مقاوم و تمدن‌ساز، «زینب‌گونه» وارد میدان جهاد شدند که با دیدن صحنهٔ شهادت شیرخواران و کودکان و همسرانشان، این‌گونه با جگر پاره‌پاره کمر راست می‌کنند و به درگاه الهی شکر می‌کنند و چون سرو می‌ایستند.

اینان برای روزگارِ پس از ظهور تربیت می‌شوند و تربیت می‌کنند که با نگاه آرمانی و مبتنی بر عقیده‌شان، فریاد غرورآفرین «الله‌اکبر» را سر می‌دهند. اینک که تقدیر و طراحی پروردگار چنین نگاشته که بعد از سال‌های پرتلاطم انقلاب و دفاع مقدس که ایران اسلامی که روزگاری در خط مقدم مقاومت و مبارزه با استکبار ایستاده بود، از مرزهای درگیری فیزیکی دور باشد، به یقین این دوری جغرافیایی هرگز مانعی برای دوری قلوبشان از محور مقاومت و جهاد نخواهد شد.

امروز زنان و دختران و مادران ایران اسلامی، مقتدرانه با الگوگیری از تجربهٔ زیستهٔ زن انقلاب اسلامی، بار دیگر به صحنه آمدند، تا با پای ارادت، سر تسلیم و رضا در راه فرمان امام جامعه بدهند و در این مسیر حماسه‌ساز شوند، پس پاشنهٔ همت کشیده‌اند تا پای جان، لبیک‌گویان بایستند.

لیبک با تقدیم قطعه‌ای طلا و زیورآلاتشان که نوعاً تمام دارایی دنیایی‌شان است، لیبک با جهاد تبیین و روایت صحیح از مظلومیت فلسطین و حقانیت حزب‌الله، لیبک با جلوگیری از برافراشته‌شدن پرچم نفوذ دشمن در سبک زندگی و فرهنگ و یا حتی با تقویت روحیه مقاومت، اراده و تشجیع در خانه و خانواده، با دعا و توسل و استغاثه به درگاه الهی و یا حتی با جهاد فرزندآوری و ایجاد و تقویت نسل مقاوم و غیور و تربیت نسلی از جنس آرمان‌ها و حججی‌ها، با هدف پیوستن به جبهه مقاومت جهانی.

آری! اینان نیز این‌گونه نقش و جایگاه تمدنی خویش را در نظام تمدنی اسلامی یافته‌اند و آمده‌اند تا بار دیگر به دنیا اعلام کنند: «زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش روی زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف، محجبه و شریف بود و درعین حال در متن مرکز بود و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.»^۱

نقش زنان در تبلور عینی آن در پیروزی انقلاب و لزوم تداوم حضور زنان برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران از جمله موضوعات مهمی است که قابلیت الگوسازی برای زنان مسلمان و زنان آزاده جهان را دارا می‌باشد. از

^۱. همان، اسفند ۱۳۹۱، کنگره ملی ۷ هزار زن شهید کشور

جمله شاخص‌هایی که موجب پیشقدم بودن زنان در نهضت‌های اسلامی شد عبارتند از:

۱. شجاعت و ایستادگی در مقابل رژیم غاصب و ستمگر
۲. دخالت در مسائل سیاسی
۳. توجه به سرنوشت ملت و کشور
۴. احساس وظیفه و بیداری در مقابل ظلم و کفر
۵. حرکت پیشاپیش از مردان در میدان مبارزه در همراه کردن کودکان و همسران
۶. کنار گذاشتن ترس در دفاع از اسلام
۸. تحول در اخلاق اجتماعی و فردی
۹. رهبری کردن نهضت با پیشگامی در مبارزه
۱۰. ایستادگی و جان‌فشانی کردن
۱۱. آغاز نهضت و اقدام به قیام حرکت و آمدن به خیابان‌ها و فریاد برآوردن و شرکت در تظاهرات
۱۲. تبلور قدرت ایمان در تجلی شهادت و اینثار در دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی.

سیر تحولی و رشد

طی جنگ‌های جهانی اول و دوم نقش زنان در امور مربوط به جنگ و صنعت بیشتر بود و به سبب کمبود مردان در هر دو جبهه، زنان به ایفای نقش بیشتری پرداختند. تاریخ به نحوی نشان داده است که زنان در امور پشت جبهه نقش ارزنده‌ای ایفا کرده‌اند که بدون همدلی و همیاری آنان، امکان نداشت مردان به تنهایی از عهده کلیه امور جنگ برآیند. امروزه زنان نسبت به گذشته، سهم بیشتری را در نیروهای نظامی کشورهای غربی اشغال کرده‌اند، هر چند در مأموریت‌های برون مرزی از آنها استفاده نمی‌شود؛ اما به امور خدمات جنگی در داخل ارتش‌ها مشغولند. افزون بر آن در نیروهای پلیس و نیروهای راهنمایی و رانندگی یا حتی در گروه‌های تروریستی، زنان فعالیت بیشتری را از خود نشان داده‌اند.

زنان از دیدگاه فرهنگ‌های مختلف

بنا بر فرهنگ‌های مختلف همین زنان بودند که در موقع اعزام نیروها به جبهه، جشن و شور و شوق به راه انداخته یا به دعا و نیایش پرداخته و هنگام بازگشت نیز به استقبال آنها شتافته و از کشته‌شدگان تجلیل کرده و کانون خانواده را در خلال غیبت شوهرانشان گرم و با محبت نگه داشته‌اند.

سازمان‌های زنان هوادار صلح (Women Peace Party)

زنان در غیاب مردان امور تولید زراعی و تولید صنعتی را در جامعه اداره کرده و امکانات غذایی و پوشاکی را برای آنان تدارک می‌دیدند. آنها در سازمان‌های هوادار صلح (wpp) اعلام کرده‌اند که در گذشته مردان برای جنگیدن خانه را ترک می‌کرده‌اند و حال ما برای صلح خانه را ترک می‌کنیم و نمی‌گذاریم جنگ‌های اتمی و هسته‌ای جهان را به نابودی بکشاند.

نقش زنان در جنگ از دیدگاه اسلام

در اسلام به نقش و کارکرد زنان در صحنه‌های فعالیت اجتماعی - سیاسی اهمیت و اعتبار کافی داده شده؛ اما در طول تاریخ به دلایل متعددی این حقوق یا مخدوش یا تماماً نقض گردیده است؛ به طوری که برخی می‌پندارند زنان فاقد این حقوقند. حضور فعالانه زنان در عرصه‌های انقلاب اسلامی و تجدید سازمان اجتماعی و نیز حضور پیشقدمانه آنها در رخدادهای جنگ و جبهه و مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی به منزله نیمی از پیکره این جامعه همواره مورد تأیید رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی بوده است.

ریشه دعوت و حرکت زنان به انجام دادن این قبیل فعالیت‌ها به نقش الگویی زنان صدر اسلام و بانوان عصر پیامبر اسلام حضرت محمد(ص)، به‌ویژه

حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) بر می‌گردد که بر اساس ایدئولوژی اسلامی و برنامه‌های اجتماعی اسلام قرار داشته است.

بررسی نقش زنان در طی هشت سال دفاع مقدس

اگر از همه مسائل و جنبه‌های مختلف جنگ، ایثار و فداکاری‌های سربازان و مبارزان سخن گفته شود و از نقش پراهمیت مادران و همسران آنها صحبتی به میان آورده نشود، قطعاً حق مطلب به‌درستی ادا نشده است، درست است که جنگ اصولاً یک فعالیت مردانه و خشن محسوب می‌شود و تهور و بی‌باکی و شجاعت فراوانی را می‌طلبد که بدون این ویژگی‌ها و صفات انسانی امکان درگیری‌ها و خونریزی‌ها میسر نیست؛ اما باید توجه داشت که در پرورش این روحیه و خلیات جنگی، زنان و همسران رزمندگان نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در هنگام بروز جنگ و دفاع یک ملت در برابر حمله دشمن، تنها اعزام مردان به صحنه نبرد ضامن پیروزی نخواهد بود، بلکه حمایت و پشتیبانی از نبرد، تحریک و تشویق مردان به حضور مداوم در جبهه، مراقبت از کودکان و حفظ کانون گرم خانواده، مراقبت و پرستاری از مجروحان و مداوای زخمی‌ها، قبول مسئولیت و انجام وظیفه به جای مردان و آزادسازی ایشان برای شرکت در جنگ، حفظ سنگرهای پشت جبهه و حتی تشکیل، اداره و توسعه نهضت‌های مقاومت و بسیاری موارد دیگر که جزو وظایف زنان محسوب می‌شوند از

جمله عوامل مهمی هستند که تأثیر مستقیمی بر روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ خواهند داشت؛ پس زنان، به عنوان بخشی از جامعه انسانی، مسلماً در هر یک از صحنه‌های مختلف اجتماع، به‌ویژه در عرصه دفاع، ایفاگر نقشی اساسی می‌باشند.»

زنان در عرصه‌های دفاعی و رزمی در ادبیات حماسی ما نیز جایگاهی خاص دارند چنانکه «فردوسی» شاعر حماسه‌سرای ایران، در «شاهنامه» از زنی دلاور به نام «گردآفرید» نام می‌برد که در مرز ایران، برای جلوگیری از ورود سهراب، به مبارزه و نبرد با او می‌پردازد و یا در «داراب‌نامه» طرسوسی، «پوراندهخت» نام زنی رزم‌جوست که تن به مبارزه می‌سپارد؛ پس زنان از دیرباز، در نبردها و مسائل نظامی و دفاعی کشور ما ایفای نقش می‌کردند. در حماسه مقاومت، مردم مسلمان ایران در برابر هجوم وحشیانه ارتش بعثی عراق به خاک میهن اسلامی که زمینه حضور گسترده زنان را در خطوط مقدم فراهم کرد، با حضور مؤثر و گسترده خویش در بخش‌های گوناگون سهم خود را در دفاع از کیان انقلاب اسلامی و میهن ایفا کردند. زنان ایثارگر ایرانی برای اینکه عدم حضورشان در جبهه‌ها را جبران کنند، در پشت جبهه با ابتکاراتی که از خود نشان می‌دادند فعالیت کرده و از هر راهی به جبهه کمک می‌کردند. جنگ توانسته بود در زنان این روحیه را به وجود آورد که به کارهایشان جهت و حرکت بدهند. آنها همه چیز را در رضایت خدا می‌دیدند و از آسایش و

آرامش خود مایه می‌گذاشتند تا بدین وسیله خدمتی به نفع جبهه‌ها و برای خشنودی خدا انجام دهند؛ لذا در طول دفاع مقدس، زن را باید به صورت عنصری فعال، مبارز، ایثارگر و صبور بدانیم.

به دنبال تجربه سال‌های قبل و بعد از انقلاب، جنگ میدان بزرگی برای آزمایش زنان بود تا از این طریق بتوانند توانمندی‌ها و استعدادها را خدادادی خود را بروز دهند.

مقام معظم رهبری در مورد نقش ارزشمند زنان در دفاع مقدس می‌فرماید: «یک مرحله دیگر هم در مبارزه زنان ما وجود دارد و آن مرحله بعد از پیروزی انقلاب است. همان طور که گفتیم چه در میدان‌های شور و احساس انقلابی و پاسخ گفتن و لبیک گفتن به خواست‌ها و دعوت‌های انقلابی و چه در تحریت و تحریک مردان و چه در اثبات مقاومت عمومی جامعه ما، یک نقش فوق‌العاده حساس و برجسته‌ای داشته‌اند، این مرحله، مرحله دیگری از حرکت‌های پرشور زنان انقلابی ماست.»^۱؛ پس، زنان در تمام زمینه‌های تربیتی، اجتماعی-سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه حضور فعال داشته‌اند و در طی دفاع مقدس امت اسلامی در برابر استکبار جهانی، به عنوان نیمی از پیکر اجتماعی نقش مؤثری ایفا کردند. به فرموده امام خمینی(ره):

^۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان سراسر کشور ۱۵ تیر ۱۳۶۸

«زنان، هم‌دوش مردان در تلاش سازندگی خود در کشور از هیچ گونه ایثار و فداکاری دریغ نداشتند.»

حضرت امام خمینی(ره) در جایی دیگر به اهمیت و نقش اساسی زنان در تربیت مردان بزرگ می‌فرماید:

«از دامن زن مرد به معراج می‌رود.» یعنی زنان نقش اساسی در تربیت مردان تاریخ‌ساز و بزرگ جامعه دارند و اگر دامن پر مهر و فضیلت زنان نباشد، هرگز مردان به قله‌های علم و تقوی و بزرگی نخواهند رسید.»

امام خمینی(ره) در تجلیل از زنان و نقش مؤثر آنان در دفاع مقدس اشاره می‌فرماید:

«اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند.»

«من از شجاعت‌های زنان ایران... احساس غرور می‌کنم. شما زنان دلیر در این پیروزی، پیشقدم بوده و هستید، شما مردان را تشجیع کردید. ما همگی مدیون شجاعت‌های شما، زنان شیردل هستیم.»

حضور فعالانه زنان در عرصه‌های انقلاب اسلامی و تجدید سازمان اجتماعی و نیز حضور پیش قدمانه آنها در رخداد‌های جنگ و جبهه و مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه اسلامی، به منزله نیمی از پیکره این جامعه همواره مورد تأیید رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بوده است.

ریشه دعوت و حرکت زنان به انجام دادن این قبیل فعالیت‌ها به نقش الگویی زنان صدر اسلام و بانوان عصر پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) به ویژه حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) برمی‌گردد که براساس ایدئولوژی اسلامی و برنامه‌های اجتماعی اسلام قرار داشته است.

فعالیت‌ها و مقاومت زنان در شهرهای جنگ‌زده و کلیه زنان کشور در انجام دادن خدمات پشت جبهه، پشتیبانی از قوای صلح و نیروهای نظامی همه براساس رهنمودهای رهبر بزرگ انقلاب اسلامی بوده است، ایفای چنین نقشی در امور پشت جبهه‌های جنگ و صحنه دفاع نظامی موجب شوق ملت و خشم و غضب دشمنان و کینه‌توزان به ملت بود.

امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود می‌فرماید:

«... ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند. آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت کردند و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل کردند،

شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان خارج کرده‌اند.

آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه در می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند.

زنان مسلمان و انقلابی ایران نیز در طول هشت سال دفاع مقدس، با اقتدا به حضرت فاطمه (س) و حضور در صحنه‌های نبرد، همواره در عشق شهادت به سر می‌بردند و عده‌ای نیز در این راه به آرزوی خویش رسیدند...

پس زنان، به عنوان بخشی از جامعه انسانی، مسلماً در هریک از صحنه‌های مختلف اجتماع، به‌ویژه در عرصه دفاع و جنگ، ایفاگر نقشی اساسی می‌باشند. بنا بر فرهنگ‌های مختلف، همین زنان بودند که در موقع اعزام نیروها به جبهه، جشن و شور و شوق به راه می‌انداختند یا به دعا و نیایش می‌پرداختند و هنگام بازگشت نیز به استقبال آن‌ها شتافته و از کشته‌شدگان تجلیل کرده و کانون خانواده‌ها را در خلال غیبت شوهرانشان و پدرانشان گرم و با محبت نگه داشته‌اند.»

حضور زنان در میدان نبرد و خط مقدم

زنان مسلمان ایرانی با الهام از تعالیم اسلامی با شجاعت و شهامت و صفناشدنی، در صحنه‌های مختلفی حتی در میدان‌های رزم حضور یافتند. خواهران بسیج و سپاه خرمشهر از جمله زنانی بودند که در منطقه عملیاتی باقی ماندند و به کارهایی از جمله حفاظت از انبار مهمات و رساندن آن به رزمندگان اسلام، کندن سنگر، تهیه و طبخ غذا برای رزمندگان مشغول شدند. زنان غیور و شجاع ایرانی گاه با دست خالی و یا چوبدستی مزدوران بعثی را به اسارت می‌گرفتند. یک شیرزن سوسنگردی با چوبدستی خود چند سرباز عراقی را به اسارت گرفت و قهرمان دیگری تعدادی از آنان را در یک اتاق محبوس کرد و به سربازان اسلام تحویل داد. آنان در شهرهای مرزی دلیرانه مقاومت کردند گویی ترس را از یاد برده بودند و فقط به حق می‌اندیشیدند و بس. آنان آئینه تمام نمای ایثار و فداکاری و اسطوره‌های شهادت و شهامت بودند، فرار از دشمن برایشان مفهومی نداشت و بر این عقیده بودند که تا آخرین نفس نباید پشت به دشمن کرد. شیرزنان سلحشور ایرانی خاطره مجاهدات و فداکاری‌های زنان مجاهد صدر اسلام را زنده کردند. آنان تا سرحد جانبازی و شهادت پیش می‌رفتند و آرزوی شهادت داشتند. در حالات مرحومه فهیمه بابائیان‌پور، همسر شهید غلامرضا صادقزاده، گفته‌اند که وقتی

امام خمینی (ره) از فهیمه برای جاری ساختن صیقه عقد درخواست وکالت کردند، فهیمه با کلامی رسا به امام عرض کرد: «جواب مثبت من مشروط است!» اطرافیان با تعجب پرسیدند: چه شرطی؟ فهیمه به امام گفت: «به شرط دعای شما برای شهادت هر دوی ما در این دنیا و قبول شفاعت ما در آخرت.» حضور و شرکت زنان در میدان‌های نبرد علت‌های مختلفی داشت که بعضی از آنها عبارتند از:

الف) پرستاری و امداد رسانی به مجروحین

یکی از زنانی که خود در حماسه مقاومت خرمشهر حضور داشته است، می‌گوید: «در آن روزها خواهران دو دسته بودند، عده‌ای برای مهمات رسانی تعیین و تعدادی هم برای امدادگری راهی بیمارستان شدند. ما به بیمارستان رفتیم. پشت سر هم مجروح می‌آوردند. دست و پاها و بدن‌های پاره پاره که در پتو و حصیر پیچیده شده بودند. اوایل جرأت نمی‌کردیم که به آن‌ها دست بزنیم؛ ولی کم‌کم عادت کردیم. خواهران هر کار نیاز بود، می‌کردند، از تخلیه مجروحان و پرستاری تا کار در آشپزخانه و نگهبانی از بیمارستان. امکانات بسیار کم و مختصر بود. مجبور بودیم سرم‌ها را به میخ آویزان کنیم، روز به روز وضع بدتر می‌شد... آب و برق نبود و آب از شط می‌آوردیم و یا شستشو را کنار شط انجام می‌دادیم و این سبب شد که آب، عده‌ای از خواهران را تا وسط شط ببرد... که تعدادی از آن‌ها غرق شدند.»

جنگ شروع شده بود که به اتفاق چند نفر از خواهران پرستار داوطلبانه به مریوان رفتیم. یک روز خواهری را برای عمل آوردند که دستش سفید سفید شده بود. حالت غش و بیهوشی داشت و از ضعف مفرط رنج می‌برد. ما بلافاصله به مداوای او مشغول شدیم. بعد که حالش بهتر شد و از وضعش پرس و جو کردیم، فهمیدیم این خواهر اهل شمال است. چندی پیش که عملیات شروع شده، نیمه شب به منطقه رسیده و اظهار داشته که می‌خواهم در یک مرکز درمانی در کنار پرستاران کار کنم. او به مدت ۷۲ ساعت، بی آنکه چیزی بخورد، در اتاق عمل، پنس‌ها را می‌شسته و دسته‌بندی می‌کرده است. از بس که دستش داخل آب بوده، خون به دستش نرسیده و دست کاملاً سفید شده بود. این خواهر شمالی پس از بهبودی، دوباره در منطقه ماند و به صورت تجربی به پرستاری مجروحین جنگی پرداخت.»

دختر هجده‌ساله‌ای که خانه و کاشانه خود را رها کرده و راهی مناطق جنگی شده، چه هدفی جز رضای خدا و حفظ اسلام می‌تواند داشته باشد؟ او با چه بینشی به تمامی امیال و خواسته‌های نفسانی خود پشت پا زده که شب‌ها تا صبح به پرستاری از مجروحان می‌پردازد؟ او در خاطرات خود می‌گوید: «در آبادان و بیمارستان طالقانی به عنوان امدادگر، بیست شب به طور مرتب نخواستید بودیم، شب‌ها مجروح بیشتری می‌آوردند، این کار را به خاطر عشق

و علاقه می‌کردیم، زمانی که بچه‌های مجروح را در آن حالت می‌دیدیم، همه چیز را از یاد می‌بردیم.»

حضور زنان در نقش پرستار و پزشک در بیمارستان‌های صحرایی و پشت جبهه بسیار پررنگ بود و ما در اینجا تنها به چند نمونه کوتاه اشاره کردیم.

ب) شرکت مستقیم در عملیات‌ها

جانباز، آمنه وهاب‌زاده چنین می‌گوید: «روز دهم جنگ، همراه سیصد نفر از خواهران به جبهه اعزام شدیم. وقتی به ماهشهر رسیدیم، تعدادی از زنان همانجا ماندند و من همراه بقیه راهی خط‌مقدم شدم. آن زمان خط‌مقدم خرمشهر و آبادان بود. در این مدت همراه دکتر چمران بودیم و چون ایشان و همسر گرامیشان قبلاً به ما آموزش چریکی داده بودند، حتی قرار شده بود همراهشان به لبنان هم برویم. خرمشهر که سقوط کرد، ما تا پشت کشتارگاه عقب کشیدیم و در بیمارستان ولی‌عصر(عج) مستقر شدیم. چون خرمشهر خالی از سکنه شده بود، از ما نیز خواستند تا شهر را ترک کنیم. ما جزء آخرین افرادی بودیم که از خرمشهر خارج می‌شدیم. بعدها در عملیات ثامن‌الائمه و بیت‌المقدس شرکت کردم. در والفجر ۱ شیمیایی شدم... هفت بار مجروح شدم. پای چپم ترکش خورده و تا به حال سه بار عمل شده و احتمالاً آخر هم قطع خواهد شد...»

جانباز، ایران خواه، چنین می گوید: «خانم فاطمه نواب صفوی، نوۀ شهید نواب صفوی، به عنوان دیده بان به طرف بهمن شیر رفته بود. او با اطلاعات مؤثر و مفیدی که از موقعیت دشمن می داد، در موفقیت عملیات نقش تعیین کننده ای را ایفا کرد. در آخرین دیدار، او را در حالی دیدم که پیکر شهیدی را با خود حمل می کرد. معلوم شد که از یک عملیات موفق چریکی باز می گردد.»

خواهر نوشین نجار نیز ادامه می دهد: «گونی ها را پر از شن می کردیم و در نقاط حساس خرمشهر می چیدیم. شب ها روی پشت بام مسجد جامع با اسلحه ام نگهبانی می دادیم و هر چند ساعت یکبار پست خودمان را عوض می کردیم.»

پ) عکاسی و خبرنگاری جنگ

خانم خدامرادی یکی از خبرنگارانی است که در طول جنگ عکس هایی به یادماندنی تهیه کرده است. وی در این مورد می گوید: «اوایل انقلاب ویزیتور روزنامه اطلاعات بودم. بعد از مدتی خبرنگار شدم. اواخر شهریور ۱۳۵۹، وقتی عراق به زادگاهم کرمانشاه حمله هوایی کرد، برای تهیه عکس و گزارش به سمت کرمانشاه رفتم... بمباران مدرسه پسرانه ای را به خاک و خون کشیده بود...»

ت) اسارت در جنگ

فاطمه ناهیدی آن روزها دختری ۲۴ ساله بود که پس از فارغ‌التحصیلی در رشتهٔ مامایی، با سفر به مناطق محروم، می‌کوشید تا در این عرصه آن چه می‌تواند، انجام دهد. در یکی از همین سفرها، در شهر بم، خبر جنگ را شنید و عازم جبهه شد. خیلی زود نام او در سیاههٔ اولین کسان و اولین زنانی که به اسارت عراق درآمدند، ثبت شد. او و هم‌پندانش، معصومه آبادی ۱۷ ساله، مریم بهرامی و حلیمه آزموده، چهل ماه در اسارت به سر بردند. در دوران اسارت ۱۷ روز تمام اعتصاب غذا کردند تا آنان را از زندان سیاسی الرشید به اردوگاه‌های ویژه اسرا ببرند. برادران اسیر هم باورش‌ان نمی‌شد که آنان بتوانند تحمل کنند. سرمشق اسرا بودند؛ با حجابشان، کلامشان و استقامتشان.

۲. نقش زنان در حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس پس از جنگ

زنان و به‌ویژه مادران، همسران، خواهران و دختران شهدا، جانبازان و اسرا، نقش به‌سزایی در ترویج ارزش‌ها و فرهنگ روزهای آتش و خون دارند. انتشار نامه‌های خانوادهٔ رزمندگان در آن روزها، سخنرانی‌ها، مراسم یادبود و... همگی در بزرگداشت یاد آن روزها اثرگذار می‌باشند. کتاب «نامه‌های فهیمه» که پس از فوت وی چاپ شد، یکی از هزاران نمونه‌ای است که موجب تشجیع و آسودگی خیال مردان از ناحیهٔ زنان می‌شد. در قسمتی از این نامه‌ها می‌خوانیم:

«سلام مرا از این راه دور بپذیر؛ سلامی که از سینه‌ای برمی‌خیزد که دوری تو آن را سخت تنگ کرده. سلامی که از قلب مصیبت‌دیده‌ام بیرون می‌آید و بر قلب مصیبت‌دیده‌ات می‌نشیند؛ ولی بدان که امام صادق(ع) فرموده است: «اگر مؤمن پاداشی را که برای مصیبت‌ها دارد، بداند، آرزو می‌کند که او را با مقارض تکه تکه کنند...»

غلامرضا! خیلی دلمان برایت تنگ شده، ولی چه کنیم که اسلام را بیشتر و بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که ما حسین(ع) را بیشتر از تو دوست داریم. چه کنیم که عشق حسین(ع) قبل از عشق تو در وجودمان نقش بسته است؛ چرا که اول چیزی که در ابتدای زندگی‌مان چشیدیم، تربت پاک حسین(ع) بود...»

گذشته از این، زنان در عرصه هنر و ادبیات نیز نقش‌آفرین بوده‌اند. اشعار مرحومه سپیده کاشانی در سرودن حماسه رزم‌آوران معروف و بیاد ماندنی است. دیگران نیز همچون طاهره صفارزاده، سیمین‌دخت وحیدی، مهری حسینی و... در سرودن حماسه‌ها نقش به‌سزایی داشته‌اند. مثنوی «کربلا در کربلا» از خانم مهری حسینی یکی از این نمونه‌هاست که داستان زندگی سرلشگر شهید مهدی زین‌الدین را به تصویر می‌کشد:

ای خدای جاودان لم یزل!

شرح مردان جا نگیرد در غزل
جای آرام و سکون، توفان بکار
تا بگویم از عزیزی بی قرار
تا ببویم اندکی با مثنوی
عطر عشق پاکِ مردی معنوی
داده بودی همسرت را این خیر
بر نخواهی گشت هرگز از سفر
تا نبوشی جامه‌ای از جنس نور
برنداری دست از شوق حضور

در زمینه ادبیات داستانی نیز بانوانی همچون خانم راضیه تجّار، سمیرا اصلان‌پور، زهرا زواریان، مریم صباغ‌زاده، ایرانی، طاهره ایبد، مهری ماهوتی، بلقیس سلیمانی، حبیبه جعفریان و حتی زنان جوانی که در هشت سال دفاع مقدس یا به دنیا نیامده بودند و یا کودکی بیش نبوده‌اند، اکنون سراینده و نویسنده آن روزهایند که خون، اثری در فرهنگ مردم می‌گذارد که هیچ چیزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. مؤسسه روایت فتح، یکی از مؤسساتی است که با قلم نوقلمانی چون فرزانه مردی (کتاب شهید حسن باقری)، مریم برادران (کتاب شهید همت)، فاطمه غفاری، نفیسه ثبات و دیگر نویسندگان و شاعران

جوان، دری را گشوده است که هرگز بسته نخواهد شد و این فرهنگ آرمان شهری است که تا کسی با عشق وارد آن نشود، درکی از آن نخواهد داشت.

راهی ست راه عشق که هیچش کناره نیست

آنجا جز آن که جان بسپارند چاره نیست

کم نیستند زنانی که با برخورد ترکش خمپاره یا بر اثر بمباران‌های هوایی، عضوی از اعضای بدن خود را از دست دادند و دچار موج‌گرفتگی و یا گرفتار عوارض بمب‌های شیمیایی شدند و در زمره "جانبازان" جای گرفتند.

زنان جانباز حماسه‌سازانی هستند که گمنام مانده‌اند و غریبانه‌تر از مردان جانباز، سهمشان در اجتماع به فراموشی سپرده شده‌است.

جمعیت شش هزار نفری زنان جانباز، شامل کسانی است که در بمباران‌ها، مبارزات انقلاب و سال‌های دفاع مقدس به فیض جانبازی نائل آمده‌اند و کمتر توانسته‌اند در جامعه و نزد افکار عمومی خود را مطرح و جایگاه واقعی خود را به دیگران بشناسانند، از این رو کمتر از آنان یاد می‌شود.

براساس آمار بنیاد جانبازان و امور ایثارگران که در شهریور ۱۳۸۱ به تفکیک جنسیت و گروه‌های جانبازی منتشر شد، تعداد کل جانبازان زن ۵۷۳۵ نفر است که از این تعداد ۳۰۷۵ نفر بالای ۲۵ درصد جانبازی دارند.

طبق آمار بنیاد، از سال ۱۳۷۷ به بعد، تعداد جانبازان مرد بیشتر شده است؛ اما تعداد جانبازان زن همچنان ثابت مانده است. در طیف گسترده زنان ایثارگر، هم چنین زنانی قرار دادند که به عنوان "همسر جانباز" مشغول انجام خدمتی الهی هستند و عاشقانه و عارفانه از مردان جانباز بعضاً بالای ۷۰ درصد جانبازی، قطع نخاعی و به ویژه جانبازان اعصاب و روان (دچار موج گرفتگی) پرستاری می کنند.

اینان را باید در زمره ایثارگرانی دانست که گویی جنگ برای آنها هنوز پایان نیافته است، این گروه از زنان پس از سال‌ها که از پایان جنگ می گذرد همچنان یادگارهای جنگ را در خانه دارند و ایثارگرانه به تیمارداری این زخمیان جنگ مشغولند.

همسران، مادران و خواهران جانبازان، هر روز زندگی سخت و دردآلود عزیزان خود را می بینند و در این بین به ویژه در نقش همسر جانباز و مادر فرزندان، با قامتی استوار ستون خانواده را پا برجا نگاه می دارند و نمی گذارند که گرمی کاشانه مهرشان در تلاطم توفان زندگی به سردی گراید.

زنان "آزاده" را نیز فراموش نکنیم. زنانی که در دوران دفاع مقدس همچون برخی مردان رزمنده، به اسارت بعثیان درآمدند و حتی گاه در سلول‌های انفرادی محبوس شدند و تحت آزار و شکنجه درخیمان بعضی قرار گرفتند.

همسران "شهدا" شاید بیش از سایرین بر گردن جامعه و بازماندگان جنگ حق دارند. چه بسا زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند و آنها را با کودکانشان تنها نهادند و رسالت پدربودن را نیز همپای وظیفه خطیر مادری بر دوش آنها نهادند.

از نظر بسیاری از این زنان، جنگ ممکن است مدت‌های مدید پس از پایان رسمی آن همچنان ادامه داشته باشد. تجربه واقعی از جنگ تنها گلوله باران و آتشباری دشمن نیست، آتش دشمن و بمباران هوایی مقطعی است و فقط به منزله لحظه‌هایی گذرا به شمار می‌آیند.

سال‌هایی که باید در کنار یک همسر جانباز صبورانه زندگی کرد و بدون آنکه خم بر پیشانی آورد، شور و شوق زندگی را در دل وی و فرزندان بارور کرد و ترنم صفا و صمیمیت را در چارچوب خانه جاری و ساری کرد.

اگر مادران، همسران و خواهران و دختران شهدا در بین ما نبودند و شاهد افتخار آنها بر شهادت عزیزان شان نبودیم، اینک به طور قطع و یقین، فرهنگ ایثار و روحیه شهادت‌طلبی در میان مردان، پسران، جوانان و آحاد ملت نبود. پس ای خواهران عزیز! رسالت امروز شما بسی سنگین‌تر است! اگر دیروز، ما با تهاجم نظامی دشمن مواجه بودیم، امروز با شیخون فرهنگی او مواجهیم که این برای هر جامعه‌ای، حربه‌ای بس برنده‌تر است. از این رو خود را

موظف و مکلف بدانیم تا با توکل بر خدا و با سلاح ایمان، علم، عفت، پاکدامنی، ایثار، شجاعت و شهامت و با الگوپذیری از حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) و شیرزنان حاضر و با اطاعت کامل و بی چون و چرا از ولایت مطلقه فقیه، دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب را در رسیدن به هدفشان که همانا شکست انقلاب و نابودی اسلام است، ناکام گذاشته و با جدیت و تلاش، شاهد بالندگی و گسترش روزافزون اسلام و انقلاب در سرتاسر جهان بوده و زمینه ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) را فراهم آوریم.

زنان جاوید

کم نیستند زنانی که بر اثر برخورد خمپاره یا بر اثر بمباران‌های هوایی، عضوی از اعضای بدن خود را از دست دادند و دچار موج گرفتگی و یا گرفتار عوارض بمب‌های شیمیایی شدند و در زمره "جانبازان" جای گرفتند.

آیا به راستی می‌توان برای جانبازان زن نیز هم چون مردان جانباز، درصدی از جانبازی تعیین کرد؟ آیا احساس یک زن جانباز همچون مرد جانباز است و آیا جامعه به او هم چنان می‌نگرد که به یک مرد جانباز؟

زنان جانباز حماسه‌سازانی هستند که گمنام مانده‌اند و غریبانه‌تر از مردان جانباز، سهمشان در اجتماع به فراموشی سپرده شده‌است.

جمعیت ۶۰۰۰ هزار نفری زنان جانباز، شامل کسانی است که در بمباران‌ها، مبارزات انقلاب و سال‌های دفاع مقدس به فیض جانبازی نائل آمده‌اند و کمتر توانسته‌اند در جامعه و نزد افکار عمومی خود را مطرح و جایگاه واقعی خود را به دیگران بشناسانند، از این رو کمتر از آنان یاد می‌شود و کمتر توانسته‌اند در جامعه و نزد افکار عمومی خود را مطرح و جایگاه واقعی خود را به دیگران بشناسانند، از این رو کمتر از آنان یاد می‌شود.

براساس آمار بنیاد جانبازان و امور ایثارگران که در شهریور ۱۳۸۱ به تفکیک جنسیت و گروه‌های جانبازی منتشر شد، تعداد کل جانبازان زن ۵۷۳۵ نفر است که از این تعداد ۳۰۷۵ نفر بالای ۲۵ درصد جانبازی دارند. طبق آمار بنیاد، از سال ۱۳۷۷ به این طرف، تعداد جانبازان مرد بیشتر شده است؛ اما تعداد جانبازان زن همچنان ثابت مانده است. در طیف گسترده زنان ایثارگر، همچنین زنانی قرار دارند که به عنوان "همسر جانباز" مشغول انجام خدمتی الهی هستند و عاشقانه و عارفانه از مردان جانباز بعضاً بالای ۷۰ درصد جانبازی، قطع نخاعی و به‌ویژه جانبازان اعصاب و روان (دچار موج گرفتگی) پرستاری می‌کنند.

اینان را باید در زمره ایثارگرانی دانست که گویی جنگ برای آنها هنوز پایان نیافته است، این گروه از زنان پس از سال‌ها که از پایان جنگ می‌گذرد همچنان

یادگارهای جنگ را در خانه دارند و اینارگرانه به تیمارداری این زخمیان جنگ مشغولند.

همسران، مادران و خواهران جانبازان، هر روز زندگی سخت و دردآلود عزیزان خود را می‌بینند و در این بین به ویژه در نقش همسر جانباز و مادر فرزندان، با قامتی استوار ستون خانواده را پا برجا نگاه می‌دارند و نمی‌گذارند که گرمی کاشانه مهرشان در تلاطم توفان زندگی به سردی گراید.

زنان آزاده را نیز فراموش نکنیم. زنانی که در دوران دفاع مقدس همچون برخی مردان رزمنده، به اسارت بعثیان درآمدند و حتی گاه در سلول‌های انفرادی محبوس شدند و تحت آزار و شکنجه دژخیمان بعثی قرار گرفتند.

همسران شهدا شاید بیش از سایرین بر گردن جامعه و بازماندگان جنگ حق دارند. چه بسا زنانی که همسرانشان به شهادت رسیدند و آنها را با کودکانشان تنها نهادند و رسالت پدر بودن را نیز همپای وظیفه خطیر مادری بر دوش آنها نهادند.

آمار نشان می‌دهد این گروه از زنان در کسوت همسران شهدا ۴۲۸۰۸ پسر و ۳۷۱۱۹ دختر مجرد و ۳۲۵۷۱ و ۲۷ دختر متأهل را سرپرستی کرده‌اند. از نظر بسیاری از این زنان، جنگ ممکن است مدت‌های مدید پس از پایان رسمی آن همچنان ادامه داشته باشد. تجربه واقعی از جنگ تنها گلوله‌باران و آتشباری دشمن نیست، آتش دشمن و بمباران هوایی مقطعی است و فقط به

منزله لحظه‌هایی گذرا به شمار می‌آیند. سال‌هایی که باید در کنار یک همسر جانباز صبورانه زندگی کرد و بدون آنکه خم بر پیشانی آورد، شور و شوق زندگی را در دل وی و فرزندان بارور کرد و ترنم صفا و صمیمیت را در چارچوب خانه جاری و ساری کرد.

اگر مادران، همسران و خواهران و دختران شهدا در بین ما نبودند و شاهد افتخار آنها بر شهادت عزیزانشان نبودیم، اینک به طور قطع و یقین، فرهنگ ایثار و روحیه شهادت‌طلبی در میان مردان، پسران، جوانان و آحاد ملت نبود. پس ای خواهران عزیز! رسالت امروز شما بسی سنگین‌تر است! اگر دیروز، ما با تهاجمی نظامی دشمن مواجه بودیم، امروز با شیخون فرهنگی او مواجهیم که این برای هر جامعه‌ایی، حربه‌ایی بس برنده‌تر است. از این رو خود را موظف و مکلف بدانیم تا با توکل بر خدا و با سلاح ایمان، علم، عفت، پاکدامنی، ایثار، شجاعت و شهامت و با الگوپذیری از حضرت فاطمه زهرا(س) و حضرت زینب(س) و شیرزنان حاضر و با اطاعت کامل و بی‌چون و چرا از ولایت مطلقه فقیه، دشمنان قسم‌خورده اسلام و انقلاب را در رسیدن به هدفشان که همانا شکست انقلاب و نابودی اسلام است، ناکام گذاشته و با جدیت و تلاش، شاهد بالندگی و گسترش روزافزون اسلام و انقلاب در

سرتاسر جهان بوده و زمینه ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج) را فراهم آوریم.

تأثیر دفاع مقدس بر نگرش‌ها و ارزش‌های زنان

به اعتقاد تحلیل‌گران مسائل ایران، دفاع مقدس، تنها یک رویداد سپری شده در دفتر تاریخ ایران نیست؛ بلکه واقعیتی اجتماعی است که تمام حوزه‌ها اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی ... و نیز مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها و ملاک‌های کنش و رفتار اعضای جامعه را در زمان وقوع و پس از آن تحت تأثیر قرار داد.

دفاع مقدس بهترین فرصت را برای حاکمیت ارزش‌های مطلوب و ارائه معیارهای متعالی برای راهنمایی و هدایت رفتار و کردار آحاد جامعه فراهم ساخت و همچون نیرویی قوی، تکامل‌بخش ارزش‌های فرامادی و معنوی بود؛ ارزش‌هایی که تحمیلی و اجباری نبودند؛ بلکه به واسطه اعتقادی شمردن امر دفاع، تولد یافته و بالنده شدند تا زندگی فردی و اجتماعی را سامانی معنوی بخشند.

جنگ، روح‌ها و بدن‌های خفته را بیدار کرد. تن‌پروری‌ها و خوش‌گذرانی‌ها را خاتمه داد. دوستان و دشمنان را به ما شناساند، مدعیان غیرت و آبرو را نشان داد، فتنه‌سازان را رسوا کرد و از همه مهم‌تر آنکه زنان و مردان اعم از

پیر و جوان و کودک را به آزمونی بزرگ فراخواند تا شور و شعور خویش را به نمایش گذارند.

جنگ هشت ساله ایران تجربه به یاد ماندنی و عظیمی است که زنان نیز مانند مردان در آن سهیم و شریک بودند، نادیده گرفتن نقش آنها در تاریخ خونبار و پرافتخار دفاع مقدس که بخشی از تاریخ انقلاب و تاریخ ایران است در واقع تحریف تاریخ خواهد بود. صفحات تاریخ جنگ، اسناد زرین حماسه و حضور شیرزنان میهن اسلامی است که هم بر جنگ تأثیر گذاشتند و هم در ابعاد مختلف از جنگ تأثیر پذیرفتند و ارزش‌ها و نگرش‌های تازه‌ای را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی وارد کردند؛ اما امروز نسلی که در جنگ حماسه آفرید و حضوری مستقیم و غیر مستقیم داشت، نسلی که شادمانی‌ها و تجربیات جنگ را با چشم خویش دید، نسلی که ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و جنگ را در خویش پرورید، آرام آرام از لحاظ تاریخی صحنه را ترک می‌کند و چه بسا بسیاری از ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها درباره آرمان مدافعان، برای نسل‌های آتی در هاله‌ای از ابهام باقی بماند؛ در حالی که، با اتمام جنگ، نفس دفاع مقدس پایان نیافته؛ بلکه ضرورت شناخت جنبه‌های نو و متعالی آن، ظرائف و زوایای پنهان آن و نیز تأثیر و تأثرات آن بر افشار مختلف به‌ویژه زنان بیش از پیش احساس می‌شود. زیرا این جنبه کمتر مورد دقت و توجه

قرار گرفته است. در این نوشتار تأثرات دفاع مقدس بر نگرش‌های زنان در ابعاد، ذیل تحلیل شده است.

۱. ارزش‌های اخلاقی و معنوی

الف) خودشناسی

فضای پس از انقلاب اسلامی، فرصتی برای پالایش اندیشه‌های منفی نسبت به زنان و نفی افکار قالبی در مورد شخصیت و خصوصیات آنها ایجاد کرد. زن، دیگر عنصر تزئینی برای اهداف تجاری و مادی نبود که جذابیت جنسی و فریبایی او، ملاک ارزشمندی وی باشد. هویت و هنر زن بودن و تعریف زن نمونه در نظام ارزشی پس از انقلاب به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و حاکمیت ارزش‌های معنوی دگرگون شد و زنان دریافتند هویت انسانی که اسلام برای آنان قائل است در پرتو فضای جنگ قابل حضور و اثبات می‌باشد؛ بنابراین، با تحرک و پویایی و وقار، شجاعت و ایثار ... بر تفکرات موهومی که قرن‌ها زن را موجودی ضعیف، بزدل، منفعل و شیء‌گونه تعریف کرده بود، خط بطلان کشیدند.

دفاع مقدس فرصت شناسایی هویت و شخصیت زن مسلمان را فراهم کرد تا در جریان آزمونی سخت، توانایی‌ها، لیاقت‌ها، شایستگی‌های خود را بشناسد و به عنوان سرمایه‌ای گرانبها در راه خودباوری و پاسداری از حرمت خویش ارج نهد.

قدرت شگرف زنان ایرانی که به سبب همین خودشناسی و خودباوری حاصل آمده بود، توانست در تغییر و تعیین مسیر رویدادهای اجتماعی نظیر دفاع مقدس نقش مهمی را ایفا کند و دشمنان را به تعجب وادارد، زیرا به مفهوم واقعی کلمه، تحولی عظیم در نگرش‌های زنان ایجاد شد و «هنر زن بودن» در تحولات و تغییرات نظام ارزشی به سوی معنویت، باز تعریف شد.

ب) شجاعت و استقامت

از جمله خصایصی که در طول ادوار مختلف، به زنان نسبت داده شده است؛ ترس، واهمه و ضعف آنها می‌باشد. اما حضور زنان در صحنه‌های دوران مقاومت این تفکر قالبی را در هم شکست. زنان غیور و شجاع کشور، فراتر از زنان اسطوره‌ای در برابر بی‌رحم‌ترین و خشن‌ترین دشمنان این مرز و بوم چنان صلابت و شجاعتی نشان دادند که مردان جنگ را به شگفتی و شیفتگی واداشت. زنان در دوره‌های حماسه و رزم شهری، مقاوم ایستادند و از شهر خویش دفاع کردند و مردان را به غیرت آوردند و با دست خالی به «کندن سنگر، پرکردن کیسه‌شن و جابه‌جایی آن، محافظت از مهمات، اسارت گرفتن دشمن باوجود نداشتن اسلحه و در برهه‌ای از تاریخ جنگ، به نگهبانی از پیکر مطهر شهدا و خاکسپاری اجساد قطعه قطعه برادر و پدرشان و حفاظت از گلزار شهدا و اجساد مطهر از شر حیوانات و دشمنان همت شجاعانه

گماردند.»^۱ و زمانی دیگر در غسلخانه‌ها شهدا (خواهران شهید را) می‌شستند، کفن‌پوش می‌کردند و به خاک می‌سپردند.

تاریخ خونبار دفاع مقدس، تاریخ استقامت دخترکان معصوم سوسنگردی است؛ اسوه‌های عفاف، شرم و حیا که بی‌حیاتی‌ترین و خبیث‌ترین انسان‌ها، سرانجام آنها را زنده زنده به گور سپردند.^۲

تاریخ جنگ، تاریخ پایداری زنانه است که در یک روز موشک‌باران همه اعضای خانواده خویش را از دست دادند، ولی همچنان تسلیم‌ناپذیر ایستاده بودند.

پ) ایثار و فداکاری

پرورش روح بلند ایثارگری در تمام ابعاد آن، در طول هشت سال دفاع مقدس، اعجاب جهانیان را برانگیخت. زنانه‌ای که همه چیز را در طبق اخلاص نهادند و باوجود چنین آثاری، آن را ناقابل، ناچیز و کوچک شمرده و احساس شرمندگی می‌کردند که نمی‌توانند خدمت دیگری را در انقلاب انجام دهند. بانوانی که برای کمک به جبهه‌ها و تداوم انقلاب، حلقه‌های ازدواج و مهریه خویش را اهدا کردند، چرا که هیچ چیز دیگری نداشتند تا به جبهه‌های جنگ یاری رسانند. آیا ایثار و فداکاری از این بزرگ‌تر که زنان این سرزمین، همسر

^۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵

^۲. مجله زن روز، شماره ۱۸۱۷، شهریور ۱۳۸۰

و فرزند محبوبشان را با وجود دل‌بستگی، تعلق خاطر و علاقه بسیار، به حضور در جبهه تشویق و ترغیب کردند و در شهادت او از خداوند درخواست کردند که قربانی آنها را بپذیرند و یا «زنانی که به فرمان امام(ره) مبنی بر خدمات‌رسانی و پشتیبانی جبهه‌ها، تمام حقوق یک ماه خود را به جبهه‌ها کمک کردند و وقتی از آنها پرسیدند که مخارج این ماه فرزندتان چه می‌شود، با شگفتی پاسخ دادند: ما هنوز زنده‌ایم و خدا روزی‌رسان فرزندان ما می‌باشد.»^۱

ت) صبر جمیل

جنگ، مدرسه صبر و مقاومت بود و سال‌های دفاع مقدس، صحنه تجلی زیباترین صبرها. صبر شیرزنانی که در شهادت همسر، خم بر ابرو نیاوردند، صبر مادرانی که چهار فرزند خویش را در مسلخ عشق قربانی کردند و صبر بانوانی که بر جراحت و زخم‌های عزیزانشان بوسه زدند و صبر و انتظار نامعلوم همسرانی که برای بازگشت شریک زندگی‌شان ثانیه شماری کردند و صبر زنانی که بر زخم زبان‌ها، طعن‌ها و تمسخرهای دشمنان و تحریک منافقان سکوت پیشه کردند و صبر مادران و همسرانی که در اسارت عزیزانشان توکل کردند و صبر دخترانی که سال‌های جوانی و زیبایی خویش را در رنج انتظار

۱. مجله جهان زن، شماره ۵، سال دوم، دی‌ماه ۱۳۵۹

پژمردند و صبر زنانی که سال‌های متمادی از عمر خویش را در به تربیت یادگار شهید، چشم از احساسات و غرائز خویش فرو بستند و در خانه شهید حرمت او را پاس داشتند و فرزندان شهدا را برای آینده‌ای روشن تربیت کردند. مقام معظم رهبری صبر زنان را در دوران دفاع مقدس بسیار ارزنده و مؤثر می‌داند و می‌فرماید: «در سال‌های جنگ، اگر صبر مادران و همسران شهدا نبود، مشکلات بزرگی ایجاد می‌شد.»^۱

ث) مدیریت احساس

زنان در طول دوران دفاع مقدس، عالمانه، بین احساسات رقیق زنانه و مادرانه و مسئولیت‌پذیری و ایثار و فداکاری در قبال حفظ ارزش‌های دینی و پاسداری از کیان اسلامی یک ارتباط منطقی برقرار کردند و از نیروی احساسی خویش به زیباترین و جهی جهت احساس افتخارات ملی و دینی و حرکت‌آفرینی و تهییج مردان برای اعزام به جبهه‌ها و نیز مقابله با هیجان‌ها و آسیب‌های روحی و روانی ناشی از جنگ بهره گرفتند. آنها با گفتار، نوشتار و رفتار خویش از تلاش ایثارگران و رزمندگان تجلیل کردند و با نثار عواطف خواهرانه و مادرانه و پشتیبانی عاطفی، آنها را دلگرم کرده و نهال ایمان را در دل‌های آنها پربار کردند.

^۱ . ویژه‌نامه حماسه گمنام، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، دفتر امور زنان، نیمه مهر

زنان میهن اسلامی در دوران دفاع مقدس ثابت کردند که احساسات منفی و کجروی‌های اجتماعی که؛ معمولاً، در هر کشوری در زمان جنگ‌های مسلحانه و به دلیل بی‌خانمانی و بی‌سرپرستی خانواده‌ها ایجاد می‌شود، در کشور ایران به موجب ایمان، اراده و مدیریت احساسی زنان و فرزندان شهدا و نیز به موجب عهد و پیمان معنوی آنها با آرمان‌های عزیزانشان، این کشور متفاوت از سایر کشورهاست.

ج) اطمینان دادن به امداد الهی

شیرزنان در دفاع شهری (اوایل جنگ تحمیلی) و نیز جریان کمک‌رسانی به جبهه‌های جنگ و حضور در مناطق جنگی، شاهد امدادهای غیبی بسیاری بودند که بر باور و ایمان آنان تأثیرگذار بود. در شرایطی که تمام کفر با تجهیزات و ادوات و آلات نظامی در جنگ شرکت کرده بود و ملت ایران با کم‌ترین امکانات دفاعی، فقط با توکل به نیروی لایزال الهی و اخلاص و توسل به ائمه اطهار(ع)، دشمن زبون را به ذلت و خواری می‌کشاند حیرت و عجز و سرخوردگی، نصیب دشمنان می‌شد و اطمینان به امداد الهی و تقویت روحیه رزمندگان و باور قلبی به یاری و نصرت الهی و امداد و غیبی، نصیب ملت ایران می‌شد. آنها بر این باور استوار بودند که خداوند از مؤمنان و پیروان حقیقت دفاع می‌کند و همین اطمینان به یاری پروردگار و مشاهده امدادهای

غیبی و یاری ملائکه و جنود الهی، آرامش و سکینه را در قلب مادران می‌پروراند و بارقه امید به پیروزی در چشمانشان می‌درخشید.^۱

چ) اخلاص در عمل

زنان در طی جنگ تحمیلی، به اقتدای رهبر خویش و با تاسی از شهدا، فعالیت‌های خود به ویژه کمک‌رسانی برای جبهه‌ها، اهدای خون، اهدای کلیه، اهدای ارثیه و جواهرآلات، ... را با هدف دفاع از اسلام پنهان می‌داشتند، به حدی که خانواده‌های آنان نیز مطلع نبودند و گاه از زبان دیگران و یا پس از شهادت آنان این امور خیرخواهانه علنی می‌شد.

زنان بسیاری نیز با اخلاص تمام مجالس دعا، نیایش، زیارت عاشورا، ... را برای پیروزی رزمندگان و شفای جانبازان و بازگشت اسرا برپا می‌داشتند و یا در مراکز کمک‌رسانی با همین روحیه خالصانه، کمک‌های مردمی را جمع‌آوری و بسته‌بندی می‌کردند که سرعت در انجام این فعالیت‌ها گاهی مردان را شگفت‌زده می‌کرد. به روایت بسیاری از رزمندگان، ارزاق و مواد خوراکی را که زنان تهیه و ارسال می‌کردند، به دلیل اخلاص و نیت صادقانه آنان بسیار پرخیر و برکت بود.

^۱. سوره حج، آیه ۳۸.

چنین مشارکت فعالانه و خالصانه‌ای را با هیچ یک از امتیازات دنیایی نمی‌توان سپاس‌گزاری کرد، ضمن آنکه بانوانی که عزیزانشان را ترغیب به حضور در جبهه‌ها کردند و خود نیز در پشت جبهه‌ها پشتیبانی و کمک‌رسانی کردند هرگز به کسب امتیازاتی چون سهمیه دانشگاه‌ها یا امتیازات دولتی نمی‌اندیشند و تنها خلوص نیت، انگیزه اصلی فعالیت آنها بود.

ح) شهادت‌طلبی

جنگ، ادراک عمیق فلسفه شهادت و معرفت نسبت به آرمان شهید و فیض تقرب به پیشگاه خدا را در باور بسیاری از مردان و زنان جامعه ایجاد کرد. جنگ، فرصت به واقعیت پیوستن شعارهای آرمانی (حسین حسین شعار ماست - شهادت افتخار ماست) را فراهم آورد، تا بدان‌جا که «زنان بسیاری از امام امت (ره) می‌خواستند که برایشان دعا کنند که به آرزوی شهادت و نوشیدن شهد گوارایش و فیض عظیم آن نایل آیند.»^۱ به سبب همین روحیه شهادت‌طلبی، حدود ۶۲۹۱ نفر از شهدای دفاع مقدس، زنان مؤمن و عفیف بودند که با شهادت خویش اثبات کردند که حضور دارند و حضورشان همیشگی است.^۲ فضای معنوی جنگ، یاد آخرت و آرزوی شهادت، توجه

۱. صحیفه نور، ج ۹، ص ۳۴۲

۲. ویژه‌نامه حماسه گمنام

زنان را به نوشتن وصیت‌نامه‌های پرمضمون، غسل عاشقانه شهادت و پرهیز از دلبستگی‌ها و دل مشغولی‌های دنیا معطوف کرد. آنان آرزو داشتند شجره‌نامه‌ای خونین داشته باشند با شاخ و برگ از جهاد و شهادت که ریشه در عشق و ایمان دارد، با الهامی از پهلوی شکسته حضرت زهرا(س) و صحرای سرخ کربلا و مظلومیت ائمه اطهار(ع).

خ) شهادت‌پذیری

تلقی شهادت به عنوان فوز عظیمی که تنها نصیب بندگان منتخب و شایسته پروردگار می‌شود، ارزش شهادت‌طلبی و شهادت‌پذیری را در اذهان زنان و مردان زنده کرد و آنان را مشتاقانه به سوی میعادگاه عاشقان رهسپار ساخت و جنگ، بهترین زمان و جبهه، بهترین مکان برای پرواز به سوی او گردید. در چنین فضایی، که سرشار از معنویت و عرفان بود، زنان و مادران، با اذعان و باور عمیق به منزلت والای شهید در نزد خداوند، عزیزانشان را در عنفوان جوانی، عاشقانه و مریدانه رهسپار جبهه‌ها کردند و شهادت آنها را همچون مراسم دامادی و وصال نامیدند و منزلگاه ابدی‌شان را تبریک و شادباش گفتند. مادرانی که در شهادت فرزندشان خدا را شکر کردند و در فراق او دندان جگر نهادند و اگر گریستند گریه بر دوری خویش از عالم شهید و جاماندن از قافله و کاروان شهدا بود.

دانش‌آموختگان مکتب دفاع مقدس، با شنیدن خبر شهادت عزیزشان نه تنها تردید و خللی به ایمان آنها راه نیافت، بلکه شهادت را هدیه‌ای از سوی خدا شمردند و بر این باور استوار ماندند که جز هدیه شهادت در راه خدا، چیز دیگری سزاوار عزیزشان نبوده است. مادرانی که در شهادت تنها پسرشان آرزو کردند کاش پسران بیشتری داشتند تا در راه خدا قربانی کنند.^۱ مادرانی که، چون کوهی مقاوم، هنگام به خاک سپاری فرزند شهیدشان، در حالی که، عطر و گلاب بر سر و صورت می‌ریختند، دستانشان را به سمت آسمان بلند می‌کردند که: «خداوندا قربانی مرا بپذیر.»

زنان جنگ، زانی بودند که در فراق همسر خویش سکوت و تنهایی اختیار کرده و به یاد او لحظه لحظه زندگی را پشت سر گذاشتند. چون که می‌اندیشیدند بهترین روزهای عمرشان را با بهترین موجود عالم سپری کرده‌اند و با شهدی که نوشیده‌اند یک عمر مستند. زنان دفاع مقدس، تجلیل و پاسداشت مهاجرانی را که پرچمی از تعهد بر دوش، تن‌پوشی از تقوا بر قامت و پیشانی‌بند اخلاص بر سر و سلاح اصلاح در دست داشتند، عبادت می‌شمردند و خانواده شهدا را تکریم می‌کردند.

^۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ مهر ۱۳۶۱

وجه دیگر شهادت‌پذیری زنان، مسئولیت‌خطیر آنها در تربیت یادگاران شهید است، فرزندی که باید ارزش‌ساز باشند و اهمیت ارزش‌های معنوی پدر شهیدشان را بدانند و برای تحقق آرمان‌های معنوی اسلام از مشکلات نهراسند و صبر و سعه صدر و دقت‌نظر در چنین مسئولیتی را پیشه راه خویش کنند.

(د) همکاری و مسئولیت‌پذیری

در هنگامه خون و شهادت، بانوان جامعه اسلامی نمی‌توانستند بی‌تفاوت بوده، خودخواهانه و فردگرایانه آسایش و راحتی خویش را طلب کنند. آنان با احساس مسئولیت نسبت به وضعیت حال و آینده جامعه و سهم شدن در سرنوشت کشور و با روحیه جمع‌گرایی و توجه به مصالح ملی و جمعی، تکلیف خود را در شرایط بحرانی باز شناختند و با همدردی در مشکلات هموطنان شهرهای مرزی و جنگ‌زده و پناه‌دادن به آنان و گاه با پذیرش نگره‌داری از کودکان بی‌پناه حملات موشکی و نیز ارسال کمک‌های نقدی، به یاری آنها شتافتند. چنین احساس مسئولیتی موجب شد که با خانواده شهیدای جنگ تحمیلی همدلی کرده، در مراسم تشییع یادمان آنها شرکت کنند و مشکلات آنان را جویا شده، درصدد رفع آنها برآیند. زنان فهیم کشورمان برای ادای تکلیف و انجام وظیفه، مشکلات خانواده‌های رزمندگان اسلام را، بی‌شائبه، رفع می‌کردند.

۲. ارزش‌های خانوادگی

الف) ازدواج ساده و هدفمند

ازدواج این سنت حسنه نیز از فضای معنوی حاکم بر جامعه متأثر شده بود. ازدواج بی‌تکلف در کمال سادگی و بدون تشریفات و با تعداد معدودی مهمان و شامی که خانواده تهیه کرده بود به برکت معنویت جنگ، در میان اکثر قریب به اتفاق خانواده‌ها معمول بود. در چنین ازدواج‌های ساده‌ای داماد، چند روز بعد، در خط‌مقدم جبهه و عروس در ستاد کمک‌رسانی مردمی بود. ملاک ازدواج در دوران دفاع مقدس نه معیارهای مادی و دنیایی و نه طبقه اقتصادی و اجتماعی و نه رفاه خانواده‌ها ... بلکه ایمان، روحیه انقلابی، حضور در جبهه، جانبازی و تعهد اخلاقی طرفین و خانواده‌های آنان بود و هرگز ازدواج ابزار دستیابی به منافع و قدرت یا مایه مباهات و فخرفروشی افراد نبود و همین سادگی و بی‌پیرایگی ازدواج‌ها و نیز تقوا و ایمان دختران و پسران و درک اهمیت ازدواج در حفاظت آنها از گناه، شمار ازدواج‌ها را در شرایط نابسامان اقتصادی کشور و مشکلات مالی خانواده‌ها فزونی بخشیده بود. آنان به تاسی به فاطمه زهرا(س) بزرگ بانوی عالم خلقت، ازدواج ساده‌ای را مدنظر داشتند و جهیزیه‌ای بسیار ساده، متشکل از ضروریات زندگی، تهیه می‌کردند که گاه تمام جهیزیه نصف و انت بار را هم تکمیل نمی‌کرد. تصور چنین ازدواج و جهیزیه‌ای در شرایط کنونی دشوار است. یکی از زنان شهیده در وصیت‌نامه

گهربار خویش هدف از ازدواج خود را طلاق دادن زشتی‌ها، پلشتی‌ها و بدی‌ها می‌داند و می‌نویسد: «پروردگارا ما خوب می‌دانیم که آیینۀ سفره عقد نمی‌تواند نمایانگر و منعکس‌کننده بدی‌های فکر باشد و سپیدی لباس تو نمی‌تواند گناه ما را مستتر کند، تنها و تنها آنچه ما را به راه مستقیم رهنمون می‌سازد، آگاهی و شناخت از هدایت‌های قرآنی و پاکسازی نیت و ایمان و توکل به توست.»^۱

(ب) ازدواج با جانبازان

ازدواج و انتخاب همسر از بین جانبازان جنگ تحمیلی که در فضای ارزشی و معنوی دوران جنگ، زیباترین و ارزنده‌ترین ازدواج‌ها محسوب می‌شد، به سبب احساس دین دختران فهیم و فداکار این آب و خاک، نسبت به مردانی انجام می‌گرفت که سلامت خود را در راه حفظ دین و ناموس به خطر افکندند، مردانی که خود را سپر بالای آسایش ما کردند؛ مردانی که آسایش و آرامش دیروز و امروز ما مرهون جان‌فشانی آنهاست. آنان با آرزوی سهیم شدن در ثواب همسر جانبازشان و به پشتوانه امداد خداوندی در به انجام رساندن هر چه صحیح‌تر و بهتر این عمل خداپسندانه و خالصانه، جانباز را روشنایی قدمگاه زندگی خود شمردند. دختران بادریتی که باوجود آگاهی نسبت به

۱. شاهدان دانشگاه، ص ۱۶۸، قسمتی از وصیت‌نامه شهید فاطمه قزوینی، دانشجوی رشته اقتصاد که چند بار در جبهه حضور یافته بود و یک سوم از درآمد خود را هر ماه به جبهه اختصاص می‌داد و در ۲۶ اسفند ۱۳۶۶ در بمباران شهر تهران به شهادت رسید.

سختی‌های زندگی با جانباز و محرومیت داشتن فرزند و مراقبت و پرستاری از وی، تنها با عشق به آرمان‌های اسلامی و انقلابی از تمام زیبایی‌ها و فرصت‌های دیگر زندگی که امکان آرامش، آسایش و رفاه را فراهم می‌ساخت، چشم‌پوشی کردند و حتی در زندگی با جانباز از تمایلات خود درباره اشتغال یا تحصیل برای مراقبت دائمی صرف‌نظر کردند و با خدای خود عهد و پیمان بستند که تمام لحظات عمر خود را در خدمت‌رسانی و همدمی و همراهی او سپری کنند، با دردهای او همدردی نمایند، بر زخم‌های او مرهم گذارند و با او بر تنهایی و اندوه وی، فائق آیند و لحظه‌های زندگی خود را با معنویت و عشق پیوند زنند. «چنین فداکاری‌هایی نیازمند پشتوانه قوی ایمانی است و کسانی که چنین تصمیمی را گرفتند، در واقع انگیزه خود را جلب رضایت خدا دانسته و احساس خوشبختی می‌کنند.»^۱

حضرت امام (ره) نیز ضمن اشاره به این تحولات ارزشی در زنان جامعه، چنین ازدواج‌هایی را احساسی، اجباری، تحمیلی و از روی ناچاری نمی‌داند؛ بلکه منبعث از فهم و آگاهی دختران می‌داند و می‌فرماید: «دختر جوانی که با یک پاسدار عزیز که از دو چشم و دو دست جانباز بوده، ازدواج کرده است،

^۱ . مجله پیام انقلاب، شماره ۶۷، ص ۷۸، مصاحبه با همسر جانباز.

می‌گوید: «حال که نمی‌توانم به جبهه بروم، می‌خواهم با این ازدواج دین خود را به انقلاب ادا کرده باشم.»^۱

پ) تداوم زندگی با جانباز

جنگ، زنانی را پرورید که همه وجودشان شور و عشق و معنویت است. همان گونه که همسرشان چنین پرشور و عاشقانه سلامت خویش را به درگاه احدیت هدیه کرد. زنانی که زندگی با همسر جانبازشان را تداوم دادند، هر روز در اوج لحظات ایثار و فداکاری بوده و هستند. برای آنها جنگ پایان نیافته و هر روز خاطرات وداع با همسر و اعزام او و خاطرات دوران جنگ و نیز لحظه اطلاع از مجروح شدن و جانبازی وی مرور می‌شود. به راستی که آنان هر لحظه در میدان دفاعی مقدس و عظیم‌اند. زنانی که آرام و استوار نه تنها از جانبازی همسر گله و شکایت نکردند، بلکه بر آن افتخار و مباهات کرده و با روحیه قوی و اراده پولادین بر مشکلات همسر صبر کردند. زنانی که به همسر جانبازشان در عین جراحت و زخم‌های چرکین و خون‌آلود عشق ورزیدند و مشتاقانه او را نگهداری کردند. آنها با همسر، پدر و برادر جانباز خویش درد کشیدند، گریه کردند، افتخار نمودند و با او آرزوی شهادت را بارها و بارها از درگاه حق تعالی مسئلت داشتند. زنانی که جانبازی همسر را

۱. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۶

مایه افتخار شمردند و خستگی ناپذیر، نستوه و مقاوم او را پذیرفتند. آنها بر این باور استوار ماندند که همسرشان نه تنها الگوی مقاومت و ایثار در خانواده و جامعه است، بلکه سند مظلومیت و بیگناهی ملت ایران در جنگ ناجوانمردانه و نابرابر نیز می‌باشد.

ت) تربیت سربازان گمنام

به اعتقاد حضرت امام (ره) زنان در انقلاب حق بیشتری از مردان دارند، آنان مردان شجاع را در دامان خود می‌پروراند^۱ و به لطف عفاف و عاطفه و به یمن فضای ارزشی دفاع مقدس، شریف‌ترین و باعظمت‌ترین نقش خود را که تربیت نسل و نقش مادری می‌باشد، برای پرورش اسطوره‌های مقاومت و غیور مردان جنگ و زاهدان شب و خط‌شکنان جبهه نبرد به بهترین وجه ایفا کردند.

از جمله برکات خفیه دفاع مقدس، احیای هدفمندی و جهت‌دهی به وظیفه طبیعی زنان (تربیت فرزندان) برای تربیت مدافعان دین و سربازان گمنام امام زمان (عج) برای دفاع از آرمان‌های الهی و تثبیت انقلاب و زمینه‌سازی ظهور حجت برحق است. زنانی که درصدد بودند تا نسلی سازنده و پیرو راه امام و شهدا پرورند و پروریدند؛ فرزندان که عاشقانه نارنجک‌ها را در دستان

۱. شاهدان دانشگاه، ص ۱۶۷

خویش فشردند و در نهایت تکه‌های بدن آنها از گل‌هایی که در «بازی دراز» بمباران شدند، بازیافته نشدند.^۱ دختران جنگ بر آن بودند که با ازدواج در سنین پایین، فرزندان تریبیت کنند که در آینده نزدیک جزء سربازان جبهه حق علیه باطل باشند.

ث) ساده‌زیستی و قناعت

هرچند در یک نگاه سطحی، جنگ به دلیل مشکلات و سختی‌های ناگوار است؛ اما در بطن چنین سختی‌هایی روح آدمی اوج می‌گیرد و پرورش می‌یابد و روحیه قناعت و سادگی به عنوان یکی از زیباترین جلوه‌های زندگی، در دوران دفاع مقدس تجلی می‌یابد. در جنگ ایران و عراق، زنان با درک صحیح و آگاهانه از وضعیت نابسامان کشور و تحریم اقتصادی، کاهش تولید داخلی، تعطیلی کارخانجات وابسته... و با توجه به موقعیت مالی همسر، جلوه دیگری از ایثار، صبر و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشتند و با دوری از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی و مدپرستی، ... قناعت و کم‌مصرفی و ساده‌زیستی را پیشه زندگی خود کردند و برخی از آنها در دوران حساس دفاع مقدس که کالاها و ارزاق عمومی به صورت جیره‌بندی توزیع می‌گردید با نیت جهاد مالی و کمک

۱. مجموعه مقالات سمینار زن و دفاع مقدس، ص ۳۱۸

به جبهه، در مصرف روزانه خود و خانواده صرفه‌جویی و آن را به جبهه ارسال می‌کردند.

زنان دفاع مقدس در دوران حساس جنگی با محدودکردن سطح توقعات خویش در غیاب همسر و واقع‌بینی خردمندانانه، مشکلات جنگ از جمله خاموشی‌های برق، کم آبی، کمبود مواد غذایی، گرانی کالا، کمبود سوخت و ... را تحمل کردند و با آگاهی کامل از شرایط، ساده‌زیستی و قناعت را عبادت دانسته و بیش از گذشته نصب‌العین خود کردند و فضای معنوی و زاهدانه جبهه‌ها را به زیبایی در خانه‌ها به تصویر کشیدند. آنها با این عمل به مبارزه با رفاه‌طلبی، عافیت‌گرایی و دنیاگرایی پرداخته و با دوری از دل‌مشغولی‌های زندگی روزمره و امور سطحی، به سوی اندیشه‌ورزی در امور اساسی کشور از جمله دفاع از دین و کشور همت گماردند و این شیوه را در وضعیت اضطراری جنگ، در سطح زندگی خانوادگی، شیوه‌ای مفید و کارآمد برای کمک به دولت نظام اسلامی شمردند.

۳. ارزش‌های سیاسی

الف) ولایت‌مداری

تعبیر و تفسیر دفاع مقدس از اسلام و جنگ حق علیه باطل و تشبیه صحنه‌های جنگ به صحنه حماسه کربلا، شوری را در دل‌ها می‌آفرید؛ گویی

که تمام روزهای جنگ، روز عاشورا است و تمام سرزمین جبهه‌ها، کربلا و تمام رزمندگان جان بر کف اسلام، چون یاران باوفای امام حسین(ع)، که عاشقانه با خون وضو گرفتند و به اقتدای امام شهیدان نماز عشق خواندند. چنین نگرشی به مسئله جنگ، موجب شد که زنان و مردان، خود را در مکتب ائمه اطهار(ع) و نایب برحق امام زمان(عج) ببینند و چون شاگرد و مریدی پاک باخته، سراسر شور و شوق شوند. همین احساس عشق و شیفتگی و مریدی و مرادی، بین امام(ره) و امت و نیز قدرت بی نظیر امام(ره) در رهبری احساسات، عواطف و اعتقادات و بینش مردم موجب شد که سیل خروشان عاشقان اهل بیت(ع) صف اندر صف و کاروان به کاروان به سوی جبهه‌ها و در واقع به سوی کربلا و آزادسازی آن رهسپار شوند.

شعار پرشعور و ادراک «ما همه سرباز تویم خمینی، گوش به فرمان تویم خمینی» موجی از عشق و پیروی محض از ولایت مطلقه فقیه بود که زنان و مردان ایران زمین، یکپارچه آن را باور داشتند. ملت ایران با ایمان به درایت، شجاعت و آینده‌نگری و روشن‌بینی حضرت امام(ره)، سکان کشتی انقلاب را به ایشان سپردند. زنان انقلابی ایران نیز در جریان انقلاب و دفاع مقدس و تهدید نظام اسلامی و توطئه منافقان علیه مقام معظم رهبری، عزم راسخ خود را در دفاع از ارزش‌ها و ولایت فقیه نشان دادند و ضمن توجه به بیانات ایشان، در جهت ترویج آرا و اندیشه‌های آن حضرت و ایجاد وحدت بین آحاد جامعه

تلاش کردند و زمانی که فرمان امام(ره) را در مورد پشتیبانی در پشت جبهه‌ها و نیز فوریت‌های پزشکی و امدادگری در جبهه‌ها شنیدند، سراپا گوش به فرمان ایشان در صحنه حضور یافتند و حماسه‌ها آفریدند.

ب) تقویت روحیه رزمندگان

هم‌رزمی زنان در پشت جبهه، پشتوانه معنوی و مایه تهییج رزمندگان و حفظ روحیه آنها بود. بانوان فهیم کشور با کمک‌های مردمی در ستادهای کمک‌رسانی و تهیه پوشاک دست‌دوز یا دست‌بافت و تهیه مواد خوراکی ... قلب رزمندگان را مالا مال از امید به پیروزی و نصرت می‌کردند. آنها با نگرارش نامه‌های احساسی و حماسی و ذکر رسالت عظیم آنها در دفاع از ولایت فقیه، آرزوی توفیقات معنوی و دریافت اجر اخروی از سیدالشهدا را برای پدران، پسران و برادران دینی خویش مسئلت می‌کردند.

زنان توانمند دفاع مقدس در لحظات وداع با همسر، استوار و پرصلابت او را به سوی جبهه بدرقه می‌کردند. به همین مناسبت مقام معظم رهبری نقش زنان را در جنگ نه تنها کمتر از مردان نمی‌دانند؛ بلکه با اشاره به اهمیت آن بیان می‌دارند: «اگر زنان حماسه جنگ را نمی‌سرودند و در خانه‌ها جنگ را به

عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردان اراده و انگیزه رفتن به جنگ را پیدا نمی‌کردند و خیل عظیم بسیجی‌ها به سمت جبهه روانه نمی‌شد.^۱

پ) دشمن‌شناسی

زنان به خوبی دریافته بودند که دشمن در صدد است که از ضعف و شکایت آنها در شهادت عزیزانشان، علیه نظام اسلامی و تضعیف وحدت و روحیه جمعی سواستفاده کند و در بوق‌های تبلیغاتی خود بدمد که زنان از جنگ خسته شده و از اعزام فرزندان و همسر خویش به سوی جبهه‌ها پشیمانند؛ به همین سبب زنان با دشمن‌شناسی عمیق و ادراک جنگ روانی دشمن و افشای ترفندها و تبلیغات مسموم آنها، بر ارزش‌های دینی و انقلابی خود پافشاری کرده، توطئه آنان را نقش بر آب کردند. آنها به خوبی واقف بودند که دشمن قصد دارد با دستکاری احساسات آنها و ایجاد تردید در باورهای دینی و شکاف در صفوف ملت و رعب و وحشت و یأس و ناامیدی و شایعه‌پراکنی و تشویش اذهان عمومی، مقاومت زنان و مردان را تضعیف کند؛ بنابراین، هشیارانه چنین نقشه‌های شومی را خنثی می‌کردند.

^۱. سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۵ آذر ۱۳۶۸

نقش زن ایرانی در محور مقاومت

درباره تغییر نقش یا بازیگری زن ایرانی در محور مقاومت شاید بتوان به تحولاتی اشاره کرد. آنچه در دفاع مقدس اتفاق افتاد نوعی از جنگ و دفاع بود که زمان مند بود و مدلی سنتی داشت و حمایت‌ها هم حمایت‌های مشخصی بود؛ اما آنچه بعد از جنگ اتفاق افتاد بحث دشمنی از بحث فیزیکی و ناظر بر میدان و درگیری در میدان جنگ فراتر رفت و تبدیل به هجمه اقتصادی، محاصره فرهنگی و... شد؛ تغییر سبک زندگی، ایده‌ها و مسائل روزمره نشانه نفوذ به این عرصه‌ها بود.

در موضوع محاصره اقتصادی، بعد از دفاع مقدس با آن درگیر بودیم ولی فقط محاصره اقتصادی و تحریم‌ها نبود؛ آنچه تاثیری شگفت‌آورتر بر ایران می‌گذاشت بحث هجمه فرهنگی و نفوذ فرهنگی و در انتها موضوع محاصره فرهنگی است که ما امروز به شدت با آن روبه‌رو هستیم. اگر زمانی می‌خواستیم در این نقطه از خاورمیانه درباره مقاومت صحبت کنیم، با کشورهایی مواجه بودیم که بسیار شبیه به هم هستند و پشتیبان هم و هم‌مسئله بودند. بحث تعارضات فرهنگی و نشان دادن ایده‌آل‌های اشتباه فرهنگی ختم به این می‌شود که یک ایرانی به آمریکا و سبک زندگی اروپایی فکر کند و گستره محاصره فرهنگی تنها به کشورهای اروپایی و آمریکایی ختم می‌شود؛ اما در سال‌های

اخیر این دایره به شدت محدود شده و به یک محاصره واقعی تبدیل شده است. کشورهای همسایه به ایده رویایی مردم ایران تبدیل شده‌اند. کشورهای عربی خلیج فارس، ترکیه، گرجستان و ارمنستان جایگزین رؤیای آمریکایی شده‌اند. این اتفاق حتی برای پاکستان رخ می‌داد تا این کشور را برای مردم ایران به ایده‌آل فرهنگی تبدیل کنند و این‌طور القا شود که شما از لحاظ زندگی در چه بدبختی تداوم یافته‌ای هستید که پاکستان از لحاظ آزادی برای تان ایده‌آل است. امروز کشورهای همسایه ما به متعارضان فرهنگی تبدیل شده‌اند که ایده‌آل‌های ما را شکل می‌دهند یا به مسئله مردم در میدان شکل می‌دهند. این وضعیت تنگ کردن حلقه‌های محاصره فرهنگی بود. مردم خیلی به آمریکا و اروپا فکر نمی‌کنند ولی همین که به ترکیه فکر می‌کنند، این دشمنی را پررنگ‌تر می‌کند و نشان می‌دهد این رویکرد برنامه‌ریزی شده است و تنگ شدن محاصره براساس یک خواست و اراده است.

وقتی مدل دشمنی تغییر می‌کند و از میدان جنگ و درگیری فیزیکی به حیات بشری و زیست بشری توسعه پیدا می‌کند و وارد روزمرگی انسان و سبک زندگی او می‌شود، مدل مقاومت و مدل حمایت و پشتیبانی نیز تغییر می‌کند. ما پس از جنگ و به‌ویژه در دو دهه اخیر که در نسبت با سیاست و ایدئولوژی با کارزارهای مبتنی بر سبک زندگی و سیاست زندگی مواجه هستیم، جنگ یا بحث امر سیاسی که شناخت دیگری یا دشمن در بالاترین نقطه‌اش قرار دارد

و کنش در برابر این دیگری و دشمن اهمیت دارد، تک به تک درک و زیست می‌شود. در چنین مدلی، مقاومت را نه از مردان و بحث‌های دیپلماتیک در حیطه سیاسی؛ بلکه از تک‌تک افراد جامعه می‌بینیم. در واقع انسان‌ها یا شهروندان هستند که در برابر ایده‌ای مقاومت می‌کنند و کنش مقاومتی یا همدلانه دارند.

اینکه ایده انقلاب اسلامی در ایران باقی می‌ماند و مثل ایده مقاومت در فلسطین، نسل به نسل منتقل می‌شود و چهار دهه است که گام اول را با موفقیت پشت سر می‌گذاریم و وارد گام دوم انقلاب می‌شویم و حتی با وجود اغتشاش‌هایی که در دو دهه اخیر به وجود آمد و مدام خواست این ایده را کمرنگ کند ولی این ایده همچنان وجود دارد و محک می‌خورد و نبضش در میدان حس می‌شود؛ باز به نیروهایی برمی‌گردد که از این ایده در خانواده، در تربیت و در انتقال ارزش‌های بین نسلی مراقبت می‌کنند و آن را انتقال می‌دهند. این مراقبت و انتقال جدا از اینکه می‌تواند در نهادها اتفاق بیفتد و در نهاد آموزش، دین و... و در ترتیبات نهادی مرتبط با حاکمیت رخ بدهد، در اصل در خانواده اتفاق می‌افتد و بر دوش زنان است. وقتی درگیری فرهنگی و اقتصادی می‌شود و تمام ساحت‌های عمومی را در برمی‌گیرد عموماً مردها در حیطه‌های اقتصادی درگیر می‌شوند و باز هم زنان هستند که حیات سیاسی و

تداوم ایده مقاومت و انتقال این ارزش‌ها را در خانواده برعهده گرفته‌اند. اگر این نبض همچنان باوجود تمام اتفاقاتی که می‌افتد احساس می‌شود به این دلیل است که زنان در این پروسه از این ایده مراقبت کرده‌اند.

گفته می‌شود جنگ کاری مردانه؛ اما مقاومت کاری زنانه است. اما ویژگی‌هایی هستند که مقاومت و امر زنانه را با هم پیوند می‌دهد. اگر بحث از جنگ را روی نقطه جدیدی ببریم که محاصره و تداوم جنگ است با سه عنصر محاصره، تداوم و مراقبت مواجه می‌شویم. از این حیث همنشینی زن و مقاومت یا امر زنانه بودن مقاومت خود را به وضوح نشان می‌دهد. از جنگی در نقطه جغرافیایی مشخص با طول مکانی و زمانی مشخص و درگیری عناصر مشخص، خارج می‌شوید و این وضعیت به حیات انسان‌ها در نقطه‌ای گسترش پیدا می‌کند. تمام آن انسان‌ها و خانواده‌ها و تمام افراد جامعه غیر از مردان را نیز درگیر می‌کند و تداوم پیدا می‌کند و خود را در قالب محاصره نشان می‌دهد. ما در این وضعیت از بحث‌های فیزیکیال مردانه خارج می‌شویم و به بحث‌هایی می‌رسیم که با مدل زیست روزمره خود را نشان می‌دهد و همنشینی دارد.

این مدل و حرکت به سمت بحث محاصره، کار ویژه زنان در جامعه را مورد حمله قرار می‌دهد. دشمن جایی با مردان می‌جنگد و جایی با تمام شهروندان می‌جنگد و محاصره را بر بحث غذایی، اقتصادی، مسکن و... می‌برد. نیازهای اولیه زندگی جایی است که مادران در خانواده درگیر آن می‌شوند، تدبیر اموری

که زنانه است در جنگ برجسته می‌شود و مدیریت این امور برجسته می‌شود و به هدف دشمن تبدیل می‌شود. محاصره وقتی اتفاق می‌افتد و وارد بحث نیازهای اولیه انسانی می‌شود، نیاز به نوآوری دارد. تدبیر امر زندگی نیاز به نوآوری دارد. این نوآوری‌ها در حیطه‌های زنانه اتفاق می‌افتد؛ نیاز به پشتیبانی دارد که این پشتیبانی‌ها در حیطه‌های زنانه اتفاق می‌افتد. وقتی کمبود مواد غذایی وجود دارد نیاز به نوآوری در استفاده از مواد موجود مطرح است. وقتی کمبود وسایل زندگی است، نیاز به نوآوری در استفاده از وسایل موجود پیش می‌آید. کمبود پوشاک، مواد اولیه و... نیاز به نوآوری را پیش می‌کشد. این مسائل در طول تاریخ برعهده زنان بوده است و همچنان در بحث جنگ، مقاومت و محاصره برعهده زنان است؛ به‌ویژه که این محاصره و این اشغال با جنگی ضمنی همراه است؛ یعنی نیروها هر کدام کار ویژه‌ای پیدا می‌کنند و این تنها یک استعمار نیست که اشغالی اتفاق بیفتد و ماجرا تمام شود. این وضعیت مدام با جنگ همراه بوده است و مردان در جایی از میدان درگیر جنگ بودند. آن چیزی که نیازهای روزمره جامعه را تدبیر می‌کرده فعالیت‌های زنانه بود که تدبیر و نوآوری را با توجه به امکانات موجود در میدان تدارک می‌بیند. وقتی از مداومت جنگ و اشغال و محاصره صحبت می‌کنیم یعنی از مداومت حیات صحبت می‌کنیم. مداومت حیات با این بحث‌های نوآورانه و

با بحث‌هایی که با خانواده درگیر می‌شود، به‌یقین امری زنانه خواهد بود. اشغال، محاصره و مداومت اموری هستند که مقاومت را به امری زنانه بدل می‌کنند.

عموماً زن را واجد نمادهایی می‌دانند که به وجوهی مانند لطافت و عواطف و احساس و... باز می‌گردد؛ اما شاید بتوان زن مقاومت را نماد زندگی دانست. بالاترین مرتبه امر سیاسی حیات سیاسی است به این معنا که دشمن‌شناسی و دیگری‌شناسی در پروسه تربیت نسل به نسل منتقل می‌شود. وقتی از حیات سیاسی صحبت می‌کنیم و مقاومت را به عنوان یکی از وجوه حیات سیاسی در نظر می‌گیریم که ایده‌اش مراقبت است و منتقل می‌شود، یک نماد دیگری به این نمادهای زنان در محور مقاومت اضافه می‌شود، آن هم تداوم حیات سیاسی و مراقبت از حیات سیاسی است. یعنی زنان یک کنش سیاسی دارند. درباره فلسطین نزدیک به یک قرن است و درباره ایران نزدیک به نیم قرن است که با این وضعیت مواجهیم.

البته وقتی به تاریخ ایران مراجعه می‌کنیم بازه زمانی طولانی‌مدتی را می‌بینیم؛ بحث شیعه و مقاومت شیعه و تلاش مردم ایران برای برقراری حکومتی صالح در طول تاریخ بسیار بیشتر از یکی - دو قرن سابقه دارد. وقتی به اینها مراجعه می‌کنیم با تربیت و نگهداری ایده مواجه هستیم. تربیت سیاسی وجهی بوده که زنان متولی‌اش بودند. حفظ حیات سیاسی و امتداد حیات سیاسی وجهی

بوده که زنان با آن درگیر بودند. زن مقاوم یا زنان در مقاومت علاوه بر نمادهای مراقبتی، دارای نماد سیاسی یعنی حفظ حیات سیاسی و انتقال ایده سیاسی در بین نسل‌ها نیز هستند.

زنان ایرانی: ستون‌های استوار محور مقاومت

محور مقاومت، به عنوان یک گفتمان و جبهه‌ای استراتژیک در مقابل هژمونی و تجاوزگری‌های قدرت‌های بزرگ، تنها متشکل از مردان و مبارزان مسلح نیست. در قلب این مقاومت، زنان به عنوان عناصری تأثیرگذار و تعیین‌کننده، نقشی چندوجهی و حیاتی ایفا می‌کنند. در این میان، زنان ایرانی با تکیه بر پیشینه تاریخی، فرهنگی و مذهبی عمیق خود، الگویی بی‌نظیر از مشارکت در عرصه‌های مختلف محور مقاومت ارائه داده‌اند.

پشتوانه‌های تاریخی و فرهنگی

نقش‌آفرینی زنان ایرانی در عرصه مقاومت، ریشه در تاریخ کهن و فرهنگ شهادت‌طلبی شیعی دارد. از الگوهایی مانند حضرت زینب(س) که پس از واقعه عاشورا، پرچم مبارزه فرهنگی و افشاگری طاغوت را بر دوش کشید، تا قیام زنان در انقلاب مشروطه و به ویژه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، همواره زنان

پیشگام در صحنه‌های مبارزه بوده‌اند. این سرمایه فرهنگی و تاریخی، بستری مستحکم برای نقش‌آفرینی آنان در محور مقاومت معاصر فراهم کرده است.

ابعاد نقش‌آفرینی زنان ایرانی در محور مقاومت

نقش زنان ایرانی در این عرصه را می‌توان در چند بعد کلیدی بررسی کرد:

۱. بعد فرهنگی - تبلیغی و گفتمان‌سازی: زنان ایرانی به عنوان مادر، همسر، معلم و هنرمند، اصلی‌ترین نقش را در انتقال ارزش‌های مقاومت به نسل‌های آینده دارند. آنان با تربیت فرزندان با روحیه استکبارستیزی و شهادت‌طلبی، پایه‌های فکری محور مقاومت را تقویت می‌کنند؛ همچنین، تولید آثار هنری (فیلم، شعر، نقاشی، داستان) با موضوع مقاومت به وسیله زنان هنرمند ایرانی، به ابزاری قدرتمند برای ترویج گفتمان مقاومت در سطح منطقه و جهان تبدیل شده است.

۲. بعد علمی و فناوری: پس از انقلاب اسلامی، با فراهم شدن فرصت‌های آموزشی برای زنان، شاهد حضور چشمگیر آنان در عرصه‌های علمی و فناوری بوده‌ایم. امروزه زنان دانشمند و محقق ایرانی در حوزه‌های حساسی مانند مهندسی، پزشکی، فناوری نانو و هوافضا فعال هستند. این دستاوردهای علمی نه تنها اقتدار ملی را افزایش داده، بلکه به طور مستقیم و غیرمستقیم، توان دفاعی و خوداتکایی کشورهای محور مقاومت را تقویت می‌کند.

۳. بعد اقتصادی و اجتماعی: زنان با حضور در عرصه‌های اقتصادی و مدیریتی، به تقویت «اقتصاد مقاومتی» کمک شایانی کرده‌اند. خوداشتغالی، کارآفرینی و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ به وسیله زنان، سبب کاهش وابستگی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی در برابر تحریم‌ها شده است. این استحکام اقتصادی، یکی از ارکان اصلی پایداری محور مقاومت است.

۴. بُعد بهداشتی و امدادی: در دوران دفاع مقدس، زنان پرستار و پزشک ایرانی، حماسه‌هایی در پشت جبهه و بیمارستان‌ها آفریدند. این نقش در بحران‌های منطقه‌ای نیز تداوم یافته است. اعزام گروه‌های پزشکی متشکل از زنان به کشورهای بحران‌زده مانند سوریه و عراق، نشان‌دهنده تعهد عملی آنان به آرمان‌های بشردوستانه محور مقاومت است.

۵. بُعد نظامی - امنیتی: اگرچه حضور رزمی زنان در خط مقدم به صورت گسترده مرسوم نبوده است؛ اما آنان در نقش‌های حساس اطلاعاتی، امنیتی، پشتیبانی و حتی آموزش‌های نظامی نقش داشته‌اند. بسیج خواهران به عنوان یک نهاد مردمی، میلیون‌ها زن را در قالب یک شبکه عظیم سازماندهی کرده که در مواقع ضروری می‌توانند از تمامیت ارضی و امنیت ملی دفاع کنند.

الهام‌بخشی به زنان منطقه

زنان ایرانی با نقش‌آفرینی فعال خود، به یک الگوی الهام‌بخش برای زنان دیگر کشورهای منطقه تبدیل شده‌اند. مبارزه زنان فلسطینی، یمنی، لبنانی و عراقی در دهه‌های اخیر، متأثر از روحیه و گفتمان مقاومتی است که زنان ایرانی در ترویج آن پیشگام بوده‌اند. این "جنبش فراملی" زنان، محور مقاومت را از یک ائتلاف سیاسی - نظامی به یک پدیده اجتماعی - فرهنگی عمیق‌تر تبدیل کرده است.

نقش‌آفرینی زنان غزه در مقاومت غزه

در دل جنگ و محاصره‌ای که نزدیک به یک قرن زندگی فلسطینیان را در بر گرفته، نقش زنان به عنوان ستون اصلی مقاومت بیش از پیش برجسته شده است. زنانی که نه تنها مراقبت از ایدئولوژی و حیات سیاسی نسل‌های آینده را برعهده دارند، بلکه با ایستادگی و نوآوری در مواجهه با سختی‌ها، تصویری متفاوت از مقاومت به مثابه زندگی ارائه می‌دهند.

ماه‌ها از جنگ علیه غزه و هجوم وحشیانه رژیم صهیونیستی به زنان و کودکان فلسطینی می‌گذرد. اگر چه مردم فلسطین از دیرباز مقاومت را زندگی می‌کنند و به آن خو گرفته‌اند؛ اما در ماه‌های اخیر بیش از گذشته درباره مقاومت به مثابه زندگی سخن به میان آمده است. در پس این ایده آنچه به زندگی مقاومت

معنا می‌بخشد، حضور زنان به عنوان مؤلفه اصلی استمرار حیات و جان بخشیدن به زندگی است. از این حیث شاید بتوان از مفهوم «زن مقاومت» سخن به میان آورد؛ زنی که بدون حضور او اساساً امکانی برای ادامه مقاومت وجود نداشت و گویا اوست که دوشادوش مردان بار اصلی مقاومت را بر دوش می‌کشد.

مدلی که در تحلیل اتفاقات فلسطین و غزه با آن مواجه هستیم، جنگ‌محور است. ما با تعریفی سنتی از جنگ مواجه هستیم. جنگی در میدانی مشخص وجود دارد و مردان در آن درگیر هستند ولی وقتی به آنچه اتفاق افتاده مراجعه می‌کنیم، مسئله اشتغال مطرح است و باید این مفهوم را در نظر بگیریم. ما با درگیری توسعه‌یافته به زیست بشری و با درگیری مداوم در حیات بشری روبه‌رو هستیم. پس از ابتدای امر باید بحث را بر اشتغال، اشتغال‌گری و ورود به زیست روزمره انسان‌ها در حیطه‌ای جغرافیایی و فرهنگی بگذاریم و آنجاست که تصویری فرامردانه و غیرمردانه در این حضور خواهیم دید. چه زنان و کودکان و چه مردان با این امر درگیر هستند. یکی از دلایلی که باعث می‌شود موضوع مقاومت را موضوعی زنانه ببینیم این است که با چیزی فراتر از آنچه از جنگ تصور می‌شود مواجه هستیم و تحلیل ما به مسیری تازه، وارد می‌شود.

در ادامه با اشغال‌گری تداوم‌یافته روبه‌رو هستیم؛ یعنی اشغال‌گری‌ای که نزدیک به یک قرن است اتفاق می‌افتد و با بحث جنگ در هم ممزوج شده است، یعنی اشغال‌گری‌ای نیست که بعد تبدیل به یک استعمار جغرافیایی شده باشد و بحث‌های دفاعی‌اش در همان برهه از تاریخ باقی بماند. در نزدیک به یک قرن اخیر بحث‌های دفاع، جنگ و... را داشتیم. وقتی با چنین اشغالی روبه‌رو هستیم یعنی نیروها به طور مداوم باید در این میدان تازه‌نفس باشند و مراقبت شوند. وقتی در اشغال با بازیابی توان روحی، روانی و استراتژیک میدان روبه‌رو هستیم حتماً نیروی پشتیبان و مراقبتی در این جنگ داریم که نیروهای درگیر در میدان را به‌طور مرتب حمایت می‌کند. وقتی به این مدل می‌رسیم و جایگاه مراقبتی در میدان جنگ برای ما برجسته می‌شود، به یقین با زنان مواجه می‌شویم. زنان نزدیک به یک قرن از ایدئولوژی مقاومت و از توان جسمی نیروهایی که در میدان جنگ هستند مراقبت کرده‌اند؛ از تربیت و بحث مقاومت مراقبت کرده‌اند تا باقی بماند. جایی که نیروهای درگیر در میدان در حال فعالیت هستند توانی برای باقی ماندن در عرصه‌های تربیتی و مراقبتی باقی نمی‌گذارد و به‌طور قطع و یقین نیروی دیگری لازم است که وظیفه مراقبت از نیروها در میدان را به‌خوبی انجام دهد. امکان بقا و بسط این نوع از مقاومت مبتنی بر بسط ایدئولوژی در این بازه زمانی طولانی مدت بدون در نظر گرفتن یک نیروی پشتیبان مراقبتی که از ابعاد مادی و معنوی مراقبت

می‌کند، ممکن نیست. نمی‌توانیم این نیرو را در تحلیل میدان نیاوریم؛ این نیرو قطعاً زنانه است. اگر تعریف‌مان از این میدان را تغییر دهیم و از بحث جنگ به اشغال بیاییم؛ زنان جایگاهی ویژه پیدا خواهند کرد و تصویر زنان در این میدان، تصویر مراقبت از تمام این ساحت است و زنان متولی آن خواهند بود. زنان غزه نقش بسیار حیاتی و چندبعدی در مقاومت دارند که فراتر از تصورات رایج است. این نقش‌ها را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه کرد:

۱. ستون فقرات اقتصاد خانواده تحت محاصره

مدیریت معیشت در شرایط بحران: با وجود محاصره شدید و نرخ بیکاری بسیار بالا، زنان با راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک خانگی، تولید صنایع دستی و مدیریت منابع محدود، بقای اقتصادی خانواده را تضمین می‌کنند.

کشاورزی مقاومتی: آنها در کشاورزی شهری (مثلاً در باغچه‌های کوچک پشت‌بام) برای تأمین بخشی از غذای خانواده مشارکت فعال دارند.

۲. حفاظت و مراقبت در بحران

پرستاران خط‌مقدم: در طول حملات، بسیاری از زنان به عنوان پرستار و امدادگر در بیمارستان‌ها و پناهگاه‌ها خدمت می‌کنند.

حمایت روانی: آنها نقش کلیدی در ارائه حمایت عاطفی و روانی به کودکان و اعضای خانواده در مواجهه با خشونت دارند.

۳. سربازان جبهه فرهنگی و آموزشی

حفاظت از هویت: با وجود تخریب مدارس و زیرساخت‌ها، مادران اغلب به آموزش غیررسمی کودکان و انتقال فرهنگ و تاریخ فلسطین می‌پردازند. پرورش نسل مقاومت: آنها در اجتماعی کردن کودکان برای پایداری و مقاومت در برابر اشغال نقش بنیادی ایفا می‌کنند.

۴. فعالان رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی

روایتگری مقاومت: بسیاری از زنان غزه‌ای با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، واقعیت‌های زندگی تحت محاصره و مقاومت را به جهانیان منتقل می‌کنند و نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی جهانی ایفا می‌کنند. مستندسازی جنایات: آنها با فیلمبرداری و ثبت شواهد، نقشی حیاتی در مستندسازی نقض حقوق بشر بازی می‌کنند.

۵. فعالان سیاسی و اجتماعی

عضویت در نهادهای اجتماعی و سیاسی: زنان در بسیاری از نهادهای مدنی و سیاسی فلسطین حضور فعال دارند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌کنند. سازماندهی تظاهرات و اعتراضات: آنها در سازماندهی حرکت‌های مردمی و اعتراضات ضد اشغالگری نقش کلیدی دارند.

۶. مقاومت مسلحانه

اگرچه این نقش کمتر برجسته می‌شود، اما زنان نیز در برخی از گروه‌های مقاومت به عنوان مبارز شرکت داشته و در عملیات‌های مختلف مشارکت می‌کنند.

نقش زنان غزه یک نقش فراگیر و همه‌جانبه است. آنها هم‌زمان مادر، پرستار، معلم، فعال رسانه‌ای، مددکار اجتماعی و گاهی مبارز هستند. این نقش چندوجهی، آنها را به سمبل پایداری و مقاومت تبدیل کرده است. مقاومت غزه بدون نقش محوری زنان، پایداری و تداوم خود را از دست می‌دهد.

عرصه‌های حضور زنان

۱. عرصه نظامی و حمایتی

بانوان از صدر اسلام تاکنون همواره به عنوان ستون‌های محکم نهضت‌های مقاومت، وظایف گسترده‌ای بر عهده داشته‌اند. از آنجا که مقاومت در برابر ظالمان از اصول مهم دین است باید در برابر زیاده‌خواهی و ظلم دشمنان دین ایستادگی کرد اگر چه در اسلام جهاد ابتدا بر زنان واجب نیست؛ اما با توجه به شرایط جامعه زنان نیز می‌توانند در دفاع فیزیکی مشارکت داشته باشند؛ زیرا دفاع از دین، ناموس و وطن وظیفه الهی و همگانی است. جهاد دفاعی، زمانی است که دشمن به کیان و سرزمین مسلمین تجاوز و یا قصد آن را دارد و همچنین هدف فرد جهادگر مسلمان آزادکردن افراد ستم‌دیده از سلطه

استثمارگران و چپاولگران فرهنگی و اقتصادی است. این نوع جهاد بر همه افراد اعم از زن و مرد واجب است.^۱

با توجه به وظیفه رسالت همگانی است که زنان ایران در جبهه حضور یافتند. تجاوز سربازان عراقی به شهرهای مرزی و بمباران‌ها و حملات موشکی سبب شد تا زنان اسلحه به دست بگیرند و به طور مستقیم با دشمن مواجه شوند. پیشینه تاریخی انتفاضه فلسطین با حرکت شجاعانه یک دختر به نام «عطاف علیان»^۲ آغاز شد. از طرفی با شروع انتفاضه دوم از سال ۲۰۰۰ میلادی زنان قدرتمندتر به میدان وارد شدند و حتی عملیات‌های استشهادی توسط «آیت‌الاحراس» داشتند. او در مارس ۲۰۰۲ با کمر بند انفجاری در اورشلیم به شهادت رسید دو سال بعد هم دختری دیگری به نام «ریم ریاشی» وابسته به

^۱. الهه وکیلی، اسلام و نقش زنان در عرصه دفاع، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت بانوی انقلاب اسلامی.

^۲. ناآرامی در سرزمین‌های اشغالی از ماه می ۱۹۸۷ شدت یافت تا آرامی‌ها از آنجا آغاز شد که شش مجاهد فلسطینی توانستند در روز ۱۷ ماه می ۱۹۸۷ از زندان مرکزی غزه قرار کنند. در عرض کمتر از سه هفته بعد یعنی در ۲۵ اوت ۱۹۸۷، مقام‌های نظامی اسرائیل اعلام کردند یک هسته مقاومت اسلامی دیگر را که افراد آن در تعدادی از شهرهای کرانه باختری فعالیت می‌کردند و قصد داشتند در عملیات انتحاری اتومبیلی را روی یک هدف اسرائیلی منفجر کنند، متلاشی ساخته‌اند. قرار بود عملیات انتحاری را دوشیزه «عطاف داوود علیان» با راندن اتومبیل و بعد منفجر کردن آن انجام دهد.

حماس در گذرگاه اریز شمال غزه میان سربازان صهیونیستی عملیات استشهادی انجام داد.^۱

از دیگر عرصه‌های نقش‌آفرینی زنان غزه اقدامات حمایتی آنان است. بسیاری از زنان در پشت جبهه، وظیفه پشتیبانی از رزمندگان را برعهده دارند حمایت آنان گاه به صورت انجام کارهای پرستاری، خدماتی، شبکه‌سازی و است. برای مثال در ۴ آذر ۱۴۰۲ و هنگام تحویل اسرای زنان و کودکان صهیونیستی تصاویری از بانوان شاخه نظامی حماس منتشر شد. به نظر می‌رسد حماس از این خانم‌ها در اداره امور زنان و کودکان اسیر اسرائیلی استفاده کرده است.^۲

بانوان غزه با استعانت از کلام خداوند که می‌فرماید: «ای پیامبر مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن، هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.»^۳ دریافته‌اند که تنها راه تحکیم نهضت مقاومت و وحدت میان طبقات مختلف جامعه است؛ از این رو برای شبکه‌سازی و پیوستن اعضای مختلف جامعه به هدف مشترک

۱. روزنامه جام جم، «ورود زنان غزه به حوزه عملیاتیهای استشهادی»، ۷ آذر ۱۴۰۲، ش ۶۶۴۴، ص ۱۲

۲. جام جم آنلاین و انتشار اولین تصاویر از کادر بانوان شاخه نظامی حماس»، ۲۰۲/۰۹/۱۴۰۲، ۰۲/۰۲، کد

خبر: ۱۴۲۳۵۱۸

۳. سورة انفال، آیه ۶۵

مقاومت تلاش کرده‌اند. برای مثال شاخهٔ دانشجویی حماس معروف به «انجمن اسلامی» با رفتن به منازل و انتشار مفاهیم این جنبش در میان دانشجویان و زنان کارگر و ... را به حمایت از حماس تشویق می‌کنند.^۱ همچنین بعد از پیوستن به گروه بر اساس توانمندی به هر یک از آنان مسئولیتی داده می‌شود. برای مثال گزارشگر روزنامه آنلاین المانیتور در جریان گزارش مقرر کمیتهٔ زنان جنبش حماس در غزه شاهد آموزش کار زنان در بخش‌های مختلف از جمله نیروهای داوطلب آموزش و روابط عمومی بوده است.^۲

۲. عرصه تربیتی

یکی از عرصه‌های حضور بانوان در جبههٔ مقاومت، تربیت و رسیدگی به کودکان غزه است چنانکه اغلب کودکان فلسطینی در پاسخ به سؤال یک امدادگر دربارهٔ پناهگاه امن آنها هنگام وقوع بمباران تأکید کردند که به آغوش مادر پناه می‌بریم؛ حال آنکه حملات وحشیانهٔ رژیم صهیونیستی به نوار غزه نشان داد که مادر و آغوش مادر یکی از اهداف این رژیم است؛^۳ زیرا مادران مهم‌ترین عامل تداوم روحیهٔ مقاومت در نسل‌های مختلف فلسطین هستند؛

^۱ . خبرگزاری فارس، «نقش کلیدی زنان فلسطینی در جنبش حماس»، ۱۶ اسفند ۱۳۹۳، کد خبر:

۱۳۹۳۱۲۱۶۰۰۱۱۷۴

^۲ . همان

^۳ . شبکه العالم، «پناهگاه امن کودکان غزه کجاست؟»، ۳ آبان ۱۴۰۲، کد خبر: ۶۷۳۳۸۱۸

مادرانی که در نقش‌های فرزندی، خواهری، همسری و مادری همواره به شهادت منسوب شده‌اند، اما با صبر و عزم راسخ همواره از آرمان‌های مقاومت دفاع کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در مراسم شهادت عزیزان‌شان نیز اشعار حماسی سر می‌دهند. آنها مسیر تربیتی فرزندان خود را با هجوم ویرانی‌های خصمانه جنگ، از بهشت شهادت می‌گذرانند تا علاقه به مقاومت و استکبارستیزی را در باورهای جامعه خود نهادینه کنند. این مادران تفکر مقاومت را با چند شیوه همانند بازگویی تجارب فرهنگی و پیشینه تاریخی، الگودهی، پایبندی به اراده ملی، همدلی و شبکه‌سازی و تسلیم در برابر مقدرات الهی به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند. آنها با بهره از منابع انتقال ارزش‌های مشترک فرهنگی همچون داستان‌ها، اشعار حماسی و محلی و تجارب فردی و پیشینه تاریخی استقامتشان را به فرزندان‌شان می‌آموزند. این گونه است که فرزندان فلسطین و به‌ویژه غزه، مقاومت را به عنوان یک اصل اعتقادی پذیرفته‌اند و پیوسته خود را آماده شهادت می‌کنند؛ چنانکه کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته‌جمعی شهدای غزه بازی می‌کنند و می‌گویند: «در این خاک‌ها بازی می‌کنیم و همین جا دفن می‌شویم.»

^۱ . شبکه العالم، ویدیوی تکان دهنده بازی کودکان غزه بر روی خاک‌های گور دسته جمعی، ۶ آبان

قرآن درباره استقامت این افراد می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛^۱

به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است. سپس استقامت کردند. فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

در واقع مادران غزه نمایندگان از اراده ملی، الگوی عملی و بارزی برای فرزندان خود هستند. آنها در خلال رفتار و گفتار خود، پابندی به ظلم‌ستیزی و تعهد به ارزش‌های مقاومت را به فرزندانشان آموزش می‌دهند. استقامت آنان به وفور در گزارش‌های خبری دیده می‌شود. مادری از میان آوارهای خانه‌اش شانه‌ی دخترش را پیدا و موهای او را شانه می‌کند. مادری با حداقل مواد غذایی برای فرزندان خود غذای خلاقانه درست می‌کند. مادری از زیر آوار اسباب‌بازی‌های شکسته‌ی فرزندش را بیرون می‌آورد و این مادران پیام مستقیمی از تلاش و بردباری را به فرزندان خود منتقل می‌کنند که ترجمان آن در پاسخ‌های کودکان غزه متبلور می‌شود؛ آنجا که در پاسخ به مصاحبه‌ای

۱. سوره فصلت، آیه ۳۰

می‌گویند قصد دارند پس از پایان جنگ، خانه‌های خود را بازسازی کنند و هرگز به ترک خانه‌هایشان که منهدم شده است فکر نمی‌کنند!

بر این اساس بانوان غزه همواره برای ارتقای سطح درک نسل نوجوان و جوان از مفهوم مقاومت سلحشورانه فرزندان وطن را به حمایت از مقاومت ملی تشویق می‌کنند. این فرایند تکرار، افزون بر اقناع موجب فراموش نکردن اهمیت پایبندی به ارزش‌های این اراده ملی در حرکت تا پیروزی خواهد شد. یکی از بانوان در مصاحبه‌ای می‌گوید «بیست روز پیش بمبی روی خانواده‌ام افتاد. هشت برادر رفتند و هیچ کسی نماند. امروز عمه‌ام و بچه‌هایش شهید شدند. خانه خانواده من پنج طبقه بود، اما الان بیست متر زیر زمین است و هیچ عضوی از مقاومت در آنجا نبود. ما از مقاومت حمایت می‌کنیم و می‌خواهیم مقاومت ادامه پیدا کند.»^۱

۳. عرصه سرپرستی و مدیریتی

مادران در سراسر جهان برای مدیریت خانواده در وضعیت‌های چالش‌برانگیز از تفکر انعطاف‌پذیر بهره می‌برند؛ در حالی که مادران در غزه باید خانواده‌ای را مدیریت کنند که نه تنها در دستیابی به حداقل نیازهای حیاتی دچار مشکل

۱. شبکه العالم، «کودکان غزه از آرزوهای خود می‌گویند»؛ ۲ آبان ۱۴۰۲، کد خبر: ۶۷۳۲۹۵۸

۲. شبکه العالم، «زن غزه‌ای فریاد می‌زند: مبارکتان باد! اعراب بخوابید و استراحت کنید.»، ۱۱ آبان

است؛ بلکه با انواع سوگ، آسیب‌های جسمی، روانی و ... دست و پنجه نرم می‌کند. این مادران برای ایجاد محیطی امن برای خانواده تمام تلاش‌شان را به کار می‌بندند تا بتوانند با حمایت‌های معیشتی و روحی فرزندان و به ویژه کودکانشان را با این شرایط تحمل‌ناپذیر منطبق کنند؛ آن هم در وضعیتی که به گزارش «نهاد‌های سازمان ملل» بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار آواره فلسطینی در هر کجای نوار غزه، نه از بمباران‌های اسرائیل در امان هستند و نه سرپناهی ایمن در برابر سرما و باران دارند.^۱ شمار زیادی از فلسطینیان غزه با توجه به تمام شدن سوخت موتورهای آب روزانه در اطراف تنها ایستگاه آب شیرین کن که تنها چند ساعت کار می‌کند صف می‌کشند تا آب آشامیدنی خود را تأمین کنند. بنا بر گزارش العالم فروشگاه‌های باریکه غزه قبل از جنگ هیچ‌گاه در این وضعیت نبودند. اکنون هیچ یک از کالاهای ضروری در داخل قفسه‌ها به چشم نمی‌خورد. تأخیر در تأمین مواد غذایی موجب ایجاد صف‌های طولانی برای شهروندان شده و ده‌ها هزار نفر از شهروندان برای دریافت یک یا دو کیسه آرد ساعت‌های طولانی می‌ایستند. یکی از مادران می‌گوید: «از ساعت پنج صبح در صف ایستاده‌ام و مانند روز گذشته چیزی به دست

۱. خبرگزاری فارس، «فاجعه بمب و سرما بر سر ۱/۸ میلیون آواره در غزه»، ۲۵ آبان ۱۴۰۲، کد خبر:

نیاورده‌ام، نه یک قرص نان و نه یک کیسه آرد.^۱ بسیاری از این زنان افزون بر اینکه باید مسائل مربوط به معیشت خود را مرتفع کنند باردار و با مشکلات زایمان نیز مواجه هستند. تخمین زده می‌شود ۵۰ هزار زن باردار در غزه زندگی می‌کنند که روزانه بیش از ۱۸۰ نفر آنها زایمان می‌کنند. که نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند.^۲ مادران در غزه راه‌کارهای خلاقانه‌ای برای انطباق با شرایط بحران و برنامه‌ریزی مدیریت منابع محدود غذایی در نظر می‌گیرند؛ بدین صورت که دسته‌جمعی در ویرانه‌های ساختمان‌های بزرگ سکونت می‌کنند مواد غذایی خود را به اشتراک می‌گذارند و با ریختن شکر در آب شور دریا تلاش می‌کنند با تشنگی مبارزه کنند.^۳

از آنجا که یکی از ضرورت‌های سرپرستی از خانواده ایجاد احساس امنیت و ایمان به کنار هم بودن همه اعضای خانواده است؛ مادران در غزه با حمایت‌های جمعی حتی در اوج جنگ نیز برای آینده‌ای روشن برای فرزندان خود گام بر می‌دارند. برای مثال یکی از اقدامات امیدآفرین، برگزاری اولین

۱. شبکه العالم، «گزارش العالم از فروشگاه‌های تقریباً خالی غزه با زیر نویس فارسی»، ۲۰ آبان ۱۴۰۲، کد خبر ۶۷۲۵۳۲۸

۲. خبرگزاری فارس «سازمان جهانی بهداشت در یک ماه اخیر درباره غزه چه واکنش‌هایی داشته است؟»، ۲ آبان ۱۴۰۲، کد خبر: ۱۴۰۲۰۸۱۶۰۰۸۴۳

۳. شبکه العالم، «جنگ در غزه و راهکار عجیب مردم برای مبارزه با آن»، ۲۶/۰۸/۱۴۰۲، کد خبر:

جشن ازدواج در ویرانه‌های جنگ در روزهای پایانی آتش‌بس چهار روزه و هم‌زمان با تبادل اسراست. این مراسم عروسی در یکی از مدارسی که آوارگان فلسطینی در آن اقامت دارند، برگزار شد. سارا عروس فلسطینی می‌گوید: «این چیزی نیست که برایش برنامه‌ریزی کرده‌ام، حلقه‌ام اصل نیست؛ اما اهمیتی ندارد.» ماجد، داماد فلسطینی می‌گوید: «همه داشته‌ها و رؤیاهایم از بین رفت دیگر چیزی برای رؤیاپردازی ندارم. در کودکی از نردبان آرزوها بالا می‌رفتم اما حالا پایین آمده‌ام ...»^۱

۴. عرصه فرهنگی

زنان غزه در مواجهه با شرایط جنگی، فعالیت‌های متعدد فرهنگی انجام دادند؛ چنانکه زنان روزنامه‌نگار غزه برای آگاه‌سازی افکار عمومی جهان در بحرانی‌ترین وضعیت جنگ از رویدادها و اطلاعات دقیق گزارش تهیه می‌کنند. آنها به طور پیوسته با پوشش انسانی و اجتماعی وقایع، به تأثیرات جنگ بر زندگی افراد به‌ویژه زنان و کودکان می‌پردازند تا بتوانند با پرده‌برداری از جنایات صهیونیسم‌ها گامی برای تحکیم مقاومت و پیروزی فلسطین بردارند. «سراء البحیصی» یکی از این خبرنگاران است که توانسته است گزارش‌های تصویری اثرگذاری به صورت زنده برای شبکه العالم تهیه کند. او با اینکه

^۱ . شبکه العالم، «به رغم همه دردها و رنج‌ها اولین مراسم عروسی در غزه»، ۲۰۲/۰۹/۰۶، کد

بارها در زیر موشک‌باران و از دست دادن عزیزان قرار گرفته است چنین می‌گوید: «از رساندن صدای حق به گوش جهانیان هرگز عقب‌نشینی نکرده و به رسالت خود در انتشار صحنه‌های جنایات رژیم اسرائیل در حق ملت فلسطین ادامه می‌دهم».^۱ «دعا شرف» خبرنگار دیگری بود که با فرزند خردسالش در پی حملات پیاپی رژیم صهیونیستی به باریکه غزه به شهادت رسید. همچنین «آیات الخصور» در انتشار آخرین ویدیوی خبری در لحظات قبل از شهادت گزارش کرد که اوضاع در «بیت لاهیا» بسیار فاجعه‌بار است و هوایماهای اسرائیلی این منطقه را با بمب‌های ممنوعه فسفری هدف قرار دادند.^۲

روایتگری برای جهان

بانوان غزه در هر برهه با امکانات موجود اعم از شبکه‌های اجتماعی اینترنت با گزارش‌های خبری برای انتشار حقوق بشر پامال شده در سرزمین‌شان استفاده می‌کنند. در واقع آنان صدای مظلومیت غزه و راویان حقایق و عمق فجایع صهیونیسم‌ها بر مردم مسلمان کشورشان هستند. یکی از زنان روایتگر

^۱ . شبکه العالم، «خبرنگار العالم بعد از شهادت عصور خانواده اش به رسالت ادامه می‌دهم».

۲۹/۰۸/۱۴۰۲، کد خبر: ۶۷۵۱۶۳۳

^۲ . شبکه العالم، «آخرین ویدیوی خبرنگار زن فلسطینی قبل از شهادت ۳۰/۰۸/۱۴۰۲، کد خبر:

می‌گوید: «آنچه در غزه می‌گذرد یک هولوکاست واقعی است. امروز سیزده عضو یک خانواده با بدن‌های تکه تکه شده از زیر آوار بیرون آورده و درون یک کیسه گذاشته شدند.»^۱ بانوی دیگری با انتقاد از عملکرد حاکمان عرب می‌گوید: «غزه را به صورت تلی از شهدا، اجساد و اعضای بدن به دست خواهید گرفت. پیام من خطاب به هیچ کس نیست فقط می‌گویم ای اعراب! مکیدن خون غزه کافی است. دیگر چیزی در آن باقی نمانده است. شما راحت و آسوده باشید.»^۲ این روایتگری را کودکان نیز از مادران خود آموخته‌اند؛ به طوری که کودک دختر می‌گوید: «وقتی که رژیم صهیونیستی حملات وحشیانه‌اش را به غزه شروع کرد. هوا سرد نبود و بدون لباس کافی با لباس‌های تابستانی مجبور به ترک خانه‌هایمان شدیم؛ اما پس از دو ماه از این حملات وحشیانه اکنون با سرمای هوا هم دست به گریبان شده‌ایم. سرمای هوا خواب را از چشمانم می‌گیرند؛ اما با وجود همه مشکلات همراه با دیگر فلسطینی‌ها در خاک خود می‌مانیم و تا آخرین نفس مقاومت می‌کنیم تا در غزه دفن شویم.»^۳

۱. شبکه العالم، «حیات در حیاط! روایت العالم از آنچه بر آوارگان در غزه می‌رود»، ۳۰/۰۸/۱۴۰۲.

کد خبر: ۶۷۳۸۴۸۸

۲. همان

۳. شبکه العالم، «شکوه کودک آوازه غزه از سرمای شدید همچنان در خاک خود می‌مانیم»،

۲۲/۰۹/۱۴۰۲.

آگاه‌سازی از جنگ روانی

از دیگر نقش آفرینی‌های زنان غزه به‌ویژه مادران، آگاه‌سازی از جنگ‌های روانی از سوی رسانه‌های معاند است. برای مثال بسیاری از سیاست‌مداران آمریکایی، مدام اخباری از نزدیک شدن زمان آتش‌بس منتشر می‌کنند، اما بنا بر گفتهٔ خبرنگار غزه: «این یک توطئه و جنگ روانی جدید علیه مردم اینجاست. انگار می‌خواهند بگویند تصمیم‌گیری فقط با اسرائیل است؛ در حالی‌که ما هدف سلاح‌های آمریکایی قرار می‌گیریم پس واضح است که باج‌گیری انسانی بیشتری علیه مردم غزه انجام می‌شود.»^۱ مادران می‌باید برای تشخیص اطلاعات درست از نادرست با فرزندان بسیار گفتگو کنند تا آنها از ترفندهای اسرائیل برای کاهش قدرت صبر و استقامت و نیز افزایش ناامیدی متوجه شوند.

کلام آخر

اگر چه اسرائیل با همهٔ امکانات نظامی، اقتصادی، سیاسی و حمایت استکبار در جبهه حضور یافته است و گاهی شعار پیروزی سر می‌دهد؛ اما در حقیقت

خبر: ۶۷۶۷۲۹۸

^۱ . شبکه العالم «سران عرب ... اینها بچه‌های غزه هستند. آمده ما را تماشا کنید، ۱۸/۰۸/۲۰۲۰، کد

خبر ۶۷۴۲۲۲۸

زنان و مردان غزه پیروز میدان هستند؛ زیرا مقابل ابرقدرت‌های نظامی چند ماه مقاومت کرده و ابهت نظامی دشمن را شکسته‌اند. مظلومیت زنان و کودکان غزه موجب شد افکار عمومی اسرائیل را ظالم و غاصب بداند و این امر جز با نصرت الهی، اراده و حضور زنان و مردان غزه در یک جنگ نابرابر شکل نمی‌گرفت: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.»^۱ مقام معظم رهبری نیز مردم غزه را پیروز اعلام کرده است: «آن که در میدان پیروز است مردم غزه‌اند، مردم فلسطینند. اینها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند، اولاً مردم غزه با صبر خودشان با ایستادگی خودشان با تسلیم نشدن خودشان نقاب دروغین حقوق بشر را از چهره آمریکا و فرانسه و انگلیس و امثال این‌ها کنار کشیدند. این‌ها را رسوا کردند. مردم غزه با صبر خودشان توانستند وجدان‌های بشری را به حرکت در بیاورند.»

۱. سوره رعد، آیه ۱۱